

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

نماز مهمترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. همانطوری که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند چرک در بدنش نمی‌ماند نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند. کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که به نماز اهمیت ندهد سزاوار عذاب آخرت است.

روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی را مشغول نماز دید که رکوع و سجودش را کاملاً به جا نمی‌آورد. حضرت فرمودند اگر این مرد در حالیکه نمازش اینطور است از دنیا برود به دین من از دنیا نرفته است. بنابراین انسان باید مواظب باشد که با عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد. متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند. اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند از خود بی‌خود می‌شود، چنانچه در حال نماز تیر از پای مبارک امیر المومنین (ع) بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند.

نمازگزار باید توبه و استغفار نماید و گناهای که مانع قبول شدن نماز است مانند: حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات، ندادن خمس و زکات، بلکه هر معصیتی را ترک کند. همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم میکند به جا نیاورد. مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد. در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد میکند به جا آورد. مثلاً انگشتر عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

فهرست

مقدمه

بخشنامه دوره آموزشی آداب و اسرار نماز

۱	نکات مهم برای برگزاری دوره آموزشی آداب و اسرار نماز
۲	درس اول
۶	درس دوم
۱۰	درس سوم
۱۴	درس چهارم
۱۸	درس پنجم
۲۱	درس ششم
۲۵	درس هفتم
۲۹	درس هشتم
۳۳	درس نهم
۳۷	درس دهم
۴۱	چند مسئله از توضیح المسائل
۴۲	نمونه سوالات
۴۷	منابع

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اول

به حول و قوه الهی مطالبی را درباره موضوع نماز، تاریخچه نماز، فلسفه و اسرار، آثار نماز و اجزاء نماز ارائه می نمایم.

اولین درس درباره جایگاه عبادت و نماز است. دین مجموعه ای است بهم پیوسته و در هم تنیده که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین می کند. درست است همه عناصر دین مقدس هستند اما از نظر اهمیت، متفاوت هستند. در جغرافیای دین بعضی از عناصر قله این سرزمین هستند، بعضی دامنه و بعضی دشت های منتهی به این سرزمین. پیامبر عزیز اسلام خیلی از وقت ها دین را به پیکر انسان تشبیه می کرد، بعضی از اجزاء دین را به سر انسان، بعضی را به چشم انسان و بعضی را به دست انسان تشبیه می فرمود. ما اگر بتوانیم با یک مکانیزی جایگاه هر عنصر را در مجموعه دین شناسایی کنیم به صورت معقول و متوازن وقت خواهیم گذاشت، سرمایه گذاری خواهیم کرد. مثلاً بدانیم موضوع نماز، یا موضوع حجاب یا موضوع روزه. اینها از مسائل درجه یک هستند یا درجه دو یا درجه سه. این به ما کمک می کند برای چه بخش هایی از دین بیشتر وقت بگذاریم. بیشتر فکر کنیم، بیشتر به دنبال روش بگردیم. موضوع نماز در مجموع در قرآن حدود هزار بار مطرح شده، ما نداریم موضوعی را در اسلام چه در آیات قرآن یا در احادیث آنقدر تکرار شده باشد. نود و چند بار کلمه صلوه و مشتقاتش و نهصد و چند بار کلمات مرتبط با نماز، مثل عبادت سجده، قنوت، رکوع، قبله، غسل، تیمم، مسجد. پیامبر عزیز اسلام فرمود وقتی من به پیامبری رسیدم اولین واجبی که از آسمان برای امت من فرود آمد موضوع نماز بود. موضوعات دیگری مثل روزه یا خمس یا زکات در مدینه آمده بعد از ۱۳ سال، یا موضوع حجاب، حج، جهاد، اینها شاید بعد از بیست سال آمده باشد، اما نماز از روز اول بوده است.

پس موضوعی را که ما می خواهیم راجع به آن گفتگو بکنیم یک موضوعی است مثل اکسیژن در رگ های دین، در قرآن کریم هم مسئله نماز کنار توحید، نبوت و معاد آمده است. ما اصطلاحاً نماز را جزء فروع دین حساب می کنیم اما بر اساس فرهنگ قرآن، نماز در کنار ایمان به خدا، ایمان به کتاب های آسمانی، ایمان به

قیامت، ایمان به پیامبران آمده و این یک مسئله بسیار مهمی است. تفسیراتی که پیامبران اسلام دربارهٔ دین بکار برده: "نماز سر دین است"، "نماز ستون دین است"، "نماز پرچم دین است"، "نماز کلید بهشت است". قرآن کریم فلسفهٔ خلقت جن و انس را عبادت می‌داند که یکی از مصادیق بلند عبادت، نماز است. در سورهٔ زاریات آیهٔ ۵۶ می‌خوانیم "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"، نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت. یا در سورهٔ مبارکهٔ نحل آیهٔ ۳۶ می‌خوانیم که فلسفهٔ بعثت همهٔ انبیاء دعوت به عبادت بوده، "وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا"، ما برای هر جمعیتی فرستاده‌ای را اعزام کردیم با این دو مأموریت، "أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ" که مردم را به پرستش خدا دعوت کنیم و از طاغوت اجتناب بورزیم.

پس معلوم می‌شود جایگاه نماز در دین یک جایگاه درجه یک و مسئلهٔ استراتژیک است.

ریشهٔ عبادت چیست؟ اولین ریشهٔ عبادت احساس فقر و وابستگی به پروردگار است. انسان که قوی‌ترین و با استعدادترین موجود این عالم است به مبدأ عالم و به پروردگار عالم محتاج است، نیازمند است و دین راهی را پیش پای او گذاشته که نیاز خودش را با کسی که او را دوست دارد و بر او منت نمی‌گذارد و توانایی رفع نیاز را دارد در میان بگذارد. دو بار در سورهٔ مبارکه بقره این آیه آمده: "استعينوا بالصبر والصلاة" ای انسان‌ها در بحران‌ها و گرفتاری‌ها کمک بگیرید از صبر و نماز، و این است ریشه عبادت.

ریشهٔ دیگر عبادت تعظیم به خدا است ما به صورت فطری وقتی عظمت و زیبایی را می‌بینیم تعظیم می‌کنیم، تقدیس می‌کنیم، بزرگ می‌شماریم، امام رضا علیه السلام فرمود: نماز یعنی تکبیر، یعنی تعظیم، یعنی خدا بزرگ است، بزرگ تر از آنچه که وصف شود. ما وقتی بنای بزرگی را یا سیارهٔ بزرگی را یا دستگاه بزرگی را می‌بینیم مبهور می‌شویم، لب به ستایش باز می‌کنیم. عبادت ریشهٔ دومش تعظیم به پروردگار است یعنی اینکه ما در برابر پروردگار کوچک هستیم.

ریشهٔ سوم عبادت شکرگزاری در برابر نعمت‌های خدا است، ما که نبودیم خداوند از روی مهرش ما را آفرید و بی شمار نعمت در اختیار ما قرار داد. در قرآن می‌خوانیم که هر آنچه در آسمان‌ها و هر آنچه در زمین است برای تو آفریدم ای انسان. خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا". اگر بخواهید بشمارید هدایای خدا را نمی‌توانید. این عبادت یک نوع سپاسگزاری در برابر خدای مهربانی است که از روی مهرش این همه امکانات در اختیار ما قرار داده است.

آیات سوم و چهارم سوره قریش، فلسفه عبادت را سپاسگزاری از خدا می‌داند. "فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ" باید مسلمان ها عبادت کنند. صاحب این خانه را "الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ" همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد "وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ" و در ترس و پریشانی را امنیت آورد.

علامه طباطبایی می‌فرماید: آهنگ آیه ۲۱ از سوره بقره هم همین شعار است که نماز، تشکر از خدا است. در سوره مبارکه بقره می‌خوانیم "یا أيها الناس"، خطاب به مسلمان نیست، خطاب به الذین آمنوها نیست، خطاب به همه مردمان است. "یا أيها الناس اعبدوا ربکم" عبادت کنید پروردگارتان را، چرا؟ می‌فرماید: الذی خلقکم چون شما را آفریده، اگر کسی یک گل دست شما می‌دهد لبخند می‌زنید، یک انگشتر، کتابی، سکه طلایی به شما می‌دهد، عکس العمل نشان می‌دهید. آن خدای هستی بخشی که شما را و پدر و مادر شما را آفرید نمی‌خواهید در برابرش هیچ احساسی داشته باشید. اعبدوا ربکم عبادت کنید پروردگارتان را، چرا؟ الذی خلقکم چون شما را آفریده، پدر و مادرتان را آفریده. آن خدایی که از آسمان ها برای شما باران می‌فرستد، به وسیله باران گیاهان را می‌رویاند، رزق برای شما می‌فرستد، به تلافی مهر خدا با سپاسگویی خودتان عکس‌العمل نشان دهید. این هم یکی از ریشه های عبادت است.

ریشه دیگر عبادت به طور فطری انسان ها نیاز به مونس دارند. نیاز دارند راز دلشان را با کسی در میان بگذارند. خیلی وقت ها خصوصی ترین افراد را هم شایسته نمی‌دانند. حتی مادرش را، برادرش را، دوستش را، می‌گویند شاید من را مسخره کنند. یک رازی در دلم هست، می‌خواهم با کسی که آغاز من را می‌داند، پایان من را می‌داند، توانایی ها، آسیب ها، گرفتاری های مرا می‌شناسد با او در میان بگذارم. او مرا آرام کند یکی از ریشه های عبادت رازگویی با پروردگار است.

پس نماز در دین اسلام یک موضوع فوق العاده مهم است. پیامبر عزیز اسلام، اسلام را با نماز آغاز کرد. پیامبر اکرم (ص) در غار حراء پنج آیه اول سوره علق را دریافت کرد. "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ".

از کوه سرازیر شد در دامنه کوه جبرئیل مجدداً نازل شد و همان روز اول دستور وضو گرفتن و نماز خواندن را آورد. این جایگاه نماز است و تا روز آخر، آخرین ساعات و دقائق عمر پیامبر، امیرالمؤمنین فرمود پیغمبر

که جان می‌داد سرش بر سینه من بود و دلوپس نماز مسلمانان بود و این جمله را فرمود و از دنیا رفت. "والله لا تنال شفاعتی من استخف بالصلوه" به خدا قسم شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد. پس در این درس ما درباره جایگاه و اهمیت نماز در جغرافیای دین صحبت کرده ایم تا خودمان هم نیرو بگیریم و با اعتقاد بیشتر نسبت به این موضوع ، آنرا پی بگیریم.

درس دوم

به چه چیزی عبادت گفته می‌شود؟ هر کاری که به رنگ خدا باشد، برای خدا باشد، در راه خدا باشد، عبادت است. حتی خوابیدن، کارکردن، فکر کردن، درس خواندن. این نوع نگاه، ما را در یک شاهراهی قرار می‌دهد که تمام حرکات ما در مسیر الهی است، امام صادق (ع) فرمود: "لیست العبادة بكثره صلوه والصیام"، عبادت فقط زیاد نماز خواندن، زیاد روزه گرفتن نیست. این نوع نگاه اشتباه است. "انم العبادة اتفکر فی عندالله"، فکر کردن در مخلوقات خدا، فکر کردن در مدیریت و ربوبیت خدا، این عبادت است. رسول خدا (ص) فرمود: عبادت هفتاد قسم دارد بهترین آن کسب درآمد حلال است. کارکردن از نظر اسلام عبادت است. درس خواندن از نظر اسلام بهترین عبادت است. پیامبر اکرم فرمود: "من خرج یخلق عبادة من العلم لیرد کعباده اربعین" کسی که از خانه اش بیرون می‌آید تا دانشی بیاموزد تا از باطل نجات پیدا کند به سمت حق متمایل شود، از گمراهی به سمت هدایت کشیده شود این پاداشِ چهل سال عبادت را دارد. چقدر حدیث داریم که امامان ما مرحبا می‌گفتند به دانش آموزان ما، به دانشجویان ما، کار آنها را عبادت می‌دانستند. خدمت به مردم، انفاق به مردم، ایثار به مردم، دستگیری از کار مردم، گره گشایی از مشکلات مردم، همه اینها عبادت است.

عبادت چیست؟ هرکاری که برای خدا باشد، به رنگ خدا باشد، ما قصدی جز خدا در آن کار نداشته باشیم، عبادت است. اصلاً خدا ما را برای همین آفرید که رنگ زندگی ما رنگ الهی باشد. که اگر زندگی ما به این رنگ باشد با مردن ما، ما تمام نمی‌شویم.

قرآن می‌فرماید: "کل شیء حاک الی وجهه"، هر چیز نابود می‌شود الاوجه خدا، الا راه خدا، پس کسی که برای خدا، به سوی خدا، به قصد خدا کاری را انجام می‌دهد آن کارش ماندگار است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "افضل العبادة انتظار الفرج"، انتظار کشیدن شخصیتی که به جامعه بشری عرضه خواهد شد و جامعه را از عدل و داد پر خواهد کرد و با ظلم و ستم مبارزه خواهد کرد این عبادت است.

موضوع دیگری که می‌خواهیم مطرح کنیم چگونگی عبادت است.

شهید مطهری در کتابی که از فرمایشات ایشان گردآوری شده به نام طهارت روح و انتشارات ستاد اقامه نماز هم منتشر کرده، یک بخشی دارد تحت عنوان شکل عبادت، چگونه عبادت کنیم؟ می‌فرماید در امت های قبل،

در دوران جاهلیت، چه بسا مردم از سلیقه خودشان عبادت می کردند، به بت پرستی کشیده شده اند، ما باید بدانیم قرآن کریم و خداوند چه نوع عبادتی را از ما می خواهد.

ویژگی های عبادات

اولین ویژگی عبادتی که از ما خواسته شده عبادت آگاهانه است، بدانیم چکار می کنیم، مثلاً نماز می خوانیم از آغاز اذان تا پایان نماز حدود ۳۵ جمله است.

الله اکبر ، اشهدان لا اله الا الله اینها هر کدام یک جمله است.

نمازگزار با آگاهی باید اینها را به زبان جاری کند.

سبحان الله چیست؟ الله اکبر چیست؟ حی علی الفلاح چیست؟

قرآن می فرماید من نماز با آگاهی می خواهم .

"لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ". در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گوید با آگاهی این عبادت را انجام دهید. روزه با آگاهی باشد. حج با آگاهی باشد. زکات با آگاهی باشد. آگاهی یکی از ویژگی های کیفیت عبادت است.

در حدیث می خوانیم رکعتان من عالم خيراً من سبعین رکعه من جاهل ، دو رکعت نمازی که شخص آگاه می خواند از هفتاد رکعت نمازی که شخص نادان می خواند بهتر است.

اسلام عبادت آگاهانه از ما می خواهد. از امام هفتم روایت شده است که «المتعبد علی غیر فقه کحمار طاحونه یدور ولا یرح» کسی که عبادت می کند ولی بدون آگاهی است مثل الاغی یا شتری است که دور می زند ، چشمش را می بندند چه بسا چند فرسخ هم راه رود از صبح تا شب حرکت می کند ولی هیچ پیشرفتی ندارد. یدور و لا یرح ، دور می زند اما پیشرفت ندارد. اگر آگاهی در عبادت نباشد انسان رشد ندارد، پیشرفت ندارد.

دومین ویژگی نماز یا عبادتی که از ما خواسته شده عبادت عاشقانه، عبادت با نشاط است.

دو بار در قرآن از نماز منافقین بدگویی شده است . هر دو بار به خاطر بی نشاطی آنها است. نماز می خوانند اما با بی رغبتی، بی نشاط، با سنگینی، به زور. میگویند نماز خواندم راحت شدم. پیامبر اکرم (ص) وقت نماز را انتظار می کشید. این عشق به نماز، یا عشق به روزه است.

بعضی ها در آستانه ماه رمضان حالت ناراحتی دارند. می گویند این تابستان ماه رمضان چگونه روزه خواهیم گرفت؟

پیامبر اکرم (ص) به استقبال ماه رمضان می رفت. تشنگی و گرسنگی ماه رمضان را موجب رشد نفس خود می دانست. همچنین عبادت حج، عبادت خمس، اگر کسی خمس و زکات دهد اما با بی رغبتی، با بی نشاطی، بدون شوق و عشق، آن معلوم نیست چقدر پاداش داشته باشد. عبادت ها تمامش باید عاشقانه و عارفانه باشد.

ویژگی سومی که برای عبادت از ما خواسته اند عبادت خالصانه و با اخلاص است. فقط برای خدا باشد. برای خوش آیند این و آن نه. برای نمره و امتیاز نه. برای اینکه آن آقا دخترش را به من بدهد مرا در مسجد ببیند نه. از روی ترس از فرمانده، از مدیر نه. می گوید خدایا تو شاهی من به خاطر تو نماز می خوانم. فقط به خاطر تو، قربه الی الله، فقط و فقط برای جلب رضایت تو. دیگران من را ببینند و من را نبینند من نماز را می خوانم، من بنده تو هستم. تو خالق من هستی. نماز خالصانه.

قرآن در سوره مبارکه کهف آیه ۱۱۰ می فرماید: "ولا یشرک بعباده ربه احداً"، نباید شریک قرار داد برای عبادت خدا احدی را. نماز می خوانم هم برای خدا هم برای مدیر، هم برای خدا هم برای فرمانده، هم برای خدا هم برای اینکه در این محیط بخاری است گرم است یا کولر است خنک است، این نمازها باطل است. در رساله های عملیه نوشته شده اگر کسی واجبات نماز را یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهد باطل است. مثلاً انگشتر عقیق دست کرده در هنگام نماز تا کسی ببیند. یا نماز را اول وقت می خواند برای اینکه کسی ببیند. یا آهنگ صدایش را عوض می کند مثلاً تنهایی در خانه ایستاده نماز می خواند رسمش این است که تند تند می خواند، و در آن هنگام مهمان می آید و لحن صدایش را عوض می کند و آهسته نماز می خواند. این نماز باطل است. چرا؟

چون تمام شیرینی این نماز این است که برای خدا باشد فقط برای خدا. رحمت خدا به روح بلند حضرت امام خمینی (ره)، می فرماید: ماموران شاه مرا نیمه شبی از قم به سمت تهران آوردند، بین راه قم و تهران من گفتم نماز نخوانده ام، چون قبل از نماز صبح حضرت امام (ره) را دستگیر کرده بودند، گفتند نگهدارید نماز بخوانم، گفتند نه اجازه نداریم. گفتم خوب ترمز کنید با خاک کنار جاده تیمم کنم. خود حضرت امام (ره)

تعریف کردند آن روز نمازی خواندم پشت به قبله، با تیمّم، لبِ آفتاب. بعد می‌فرماید: در عمرم امیدم به همان نماز است. چون کسی که باید بداند می‌داند. آن کسی که باید آن نماز را ببیند دیده. نماز با اخلاص، و نماز خاشعانه، نماز باید با فروتنی همراه باشد.

قرآن می‌فرماید: "بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلح المومنون الذين هم في صلاتهم خاشعون". قطعاً رستگار هستند مومنانی که در نمازشان خاشع هستند، افتاده حالند، فروتن هستند، گردن کش نیستند در حضور خدا، خودشان را به حساب نمی‌آورند. با تمام وجود اعلام می‌کنند پروردگارا من کسی نیستم. من چیزی نیستم. هرچه دارم از توست. هرچه می‌کنم به قوت و حول توست.

درس سوم

مراحل را برای عبادت شمرده اند مرحله اول تکلیف، مرحله دوم صحت، مرحله سوم قبولی، مرحله چهارم کمال. این نمازی که می خوانیم، روزه ای که می گیریم، حجی که می رویم، خمس و زکاتی که می پردازیم، تکالیفی که خداوند برای سعادت ما قرار داده چهار مرحله دارد، در هر مرحله شرایطی وجود دارد، مرحله اول تکلیف است. یعنی کودک مسلمان باید به تکلیف برسد تا عبادت بر او واجب شود. تکلیف شرایطی دارد. شرط اول آن بلوغ است. در رساله های عملیه خوانده اید وقتی دختران نه سال قمریشان تمام می شود و پسران وقتی ۱۵ سال قمریشان تمام می شود یا وقتی نشانه های دیگری در آنها پیدا می شود که در رساله های عملی است. الان روانشناسانی مثل آقای دکتر قائمی یا آقای دکتر گلزار یا آقای دکتر شرفی اعلام می کنند که پسران تهرانی بین ۱۱ تا ۱۳ سالگی بالغ می شوند. در این شرایط محیطی که ما الان هستیم غالباً بیش از ۹۰ درصد پسران تا قبل از ۱۴ سالگی بالغ می شوند. پس بلوغ اولین شرط تکلیف است. بچه ای که بالغ نشده مثلاً دختر ۸،۷،۶ ساله تکلیف ندارد. پسر ۱۰ ساله ۹ ساله تکلیف ندارد. همین جا یک موضوعی را طرح می کنیم. سوال می کنند بچه ها قبل از اینکه به بلوغ می رسند اگر عبادتی انجام بدهند و خدمتی انجام بدهند ثواب دارد؟ جواب می دهیم بله، خداوند برای کارنامه ما یک مقدمه ای ایجاد می کند قبل از صفحه ۱، صفحاتی است که ما قبل از به بلوغ رسیدن خدمتی یا عبادتی می کنیم. مثلاً بچه ای روزه می گیرد، نماز می خواند، صدقه می دهد. حتماً ثواب دارد. هم در پرونده خود او قبل از صفحه ۱، و هم در پرونده پدر و مادر و هم پرونده معلم او ثبت می شود. سوال دیگر اینکه بچه ها قبل از اینکه به سن تکلیف برسند اگر خسارتی را وارد کردند ضمانت دارد؟ مثلاً یک بچه ۸ ساله توپی را شوت کرد و شیشه کسی را شکست او ضامن است؟ بله ضامن است. اگر پدرش یا سرپرستش خسارت را داد که داده وگرنه به محض اینکه خودش به تکلیف رسید ضامن است و تا آخر عمر از گردنش برداشته نمی شود.

بچه هایی که به تکلیف نرسیده اند اگر جرمی مرتکب شوند که از نظر شرعی حد دارد، شلاق دارد، مثلاً یک دشنامی بدهند، فحشی بدهند که ضربات شلاق برایش تهیه شده باید مجازات شود؟ بله آن بچه نه به اندازه بزرگترها، به اندازه ای که قاضی تشخیص دهد یک تنبیه مختصری می شود. پس اولین شرط تکلیف، بلوغ است. شرط دوم عقل است. بچه هایی که سفیه هستند عاقل نیستند، ضریب هوشی پایین دارند. که تعریفش

روشن است آنها تکلیفی ندارند. یا تکلیف خیلی کم به اندازه توانشان دارند. شرایط تکلیف را می‌گوییم: تکلیف اولین مرحله است برای عبادت.

سومین شرط قدرت است. انسان باید قدرت داشته باشد نماز بخواند، یا روزه بگیرد یا مکه برود. اگر ناتوان هست، ناتوانی جسمی یا ناتوانی روحی، که اینها در سازمان بهزیستی تعریف شده است. نمی‌تواند روزه بگیرد واجب نیست، نمی‌تواند بایستد نماز بخواند بنشیند، نمی‌تواند بنشیند بخوابد.

پس تکلیف اولین شرطش بلوغ است، شرط دوم عقل است، شرط سوم قدرت است.

اینها شرط های تکلیف است، بعد از تکلیف می‌رسیم به مرحله دوم، دختر مسلمان یا پسر مسلمان به تکلیف رسیده، یعنی عاقل هست، بالغ است و توانا و قادر، از این لحظه به بعد همه تکالیفی که بزرگترها باید انجام دهند این دختر و پسر باید انجام دهند. امر به معروف کنند، نهی از منکر کنند، روزه بگیرد، نماز بخواند با این توضیحاتی که بیان کردیم.

مرحله دوم صحت است، یعنی این عبادت چکار کنیم که صحیح باشد در فقه شیعه شرط کردند، شرط صحت عبادت این است که مسلمان ها از یک مرجع تقلیدی که جامع شرایط است تقلید کند، به این شرط، صحیح است. مثل اینکه کسی مریض می‌شود برای دستورات طبی باید به پزشک حاذقی مراجعه کند. اگر مشکلش و مریضیش خیلی مختصر باشد به همین دکتر عمومی سر کوجه مراجعه می‌کند. اما اگر قلبش یا کبدش بیمار باشد باید به سراغ متخصص برود. اگر در آن شهر چند متخصص است عقل می‌گوید باید به سراغ کسی برود که تخصصش بالاتر است و خبرگی بیشتری دارد. پس ما در پله دوم که صحت عبادت است مسئله تقلید را داریم.

بچه‌های ما از همان ۹ سالگی یا قبل از آن باید توجیه شوند که ما در اعتقادات به عقلمان مراجعه می‌کنیم، در اخلاقیات به قلبمان مراجعه می‌کنیم، اما در احکام و دستورات دینی پیروی می‌کنیم از مرجع تقلید. تقلید هم یعنی پیروی کردن. آیا این کار منطقی است؟ بله، ما در همه کارهای زندگی که تخصص نداریم، مردم به اطباء مراجعه می‌کنند، اطباء برای خانه‌سازی به مهندسان مراجعه می‌کنند، مهندسان برای دوخت و دوز به خیاط ها مراجعه می‌کنند. همین طور همه اقشار جامعه در رشته‌ای که تخصص ندارند به متخصص آن رشته مراجعه می‌کنند. هم پشتوانه عقلانی دارد، هم پشتوانه عرفی دارد، هم دین توصیه می‌کند.

قرآن می‌فرماید: "فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ". اگر نمی‌دانید از آنها که می‌دانند پرسید. خوب از کی پرسیم؟ از کسی که بهتر از همه می‌داند. چه کسی بهتر از همه دین را می‌داند؟ عالمی که عمری گذرانده، فقیه شده، یعنی عمیقاً مسائل دین را می‌تواند استخراج کند، استنباط کند، اگر چند نفر بودند چکار کنیم؟ اگر هم تراز هستند می‌توانیم به یکی از آنها مراجعه کنیم. اما اگر یکی از آنها سرآمد هست و اعلم است به او مراجعه می‌کنیم. تقلید می‌کنیم. از چه زمانی تقلید کردن در شیعه مرسوم شده؟ از زمان امام صادق (ع)، چون شیعیانی بودند در شهرهای دوردست، دسترسی به امام معصوم نداشتند، می‌پرسیدند ما مسائل، احکام شرعی، واجبات و محرمات را از چه کسی پرسیم؟ امام معصوم نمایندگانی (عالمانی که پیش خود امام درس خوانده و به آنها اعتماد داشت) را معرفی می‌کرد. یعنی آن عالم معصوم بوده؟ نه، احتمال خطا هم بوده، احتمال اشتباه هم در کارش بوده، و اما امام به مردم فرموده که شما وظیفتان تقلید کردن است.

کسی می‌گوید من فوق لیسانس هستم درست نیست تقلید کنم. شما فوق لیسانس چه رشته‌ای هستید؟ فوق لیسانس سنگ‌شناسی، کشاورزی، ولی وقتی مریض می‌شود به دکتر مراجعه می‌کند. شما در زمینه طب اطلاعاتی ندارید، کسانی هم ممکن است بگویند من نمی‌خواهم تقلید کنم راه باز است خودم متخصص در دین بشوم؟ جواب می‌دهیم بله، مثل همه رشته‌ها، هر کس دوست ندارد تقلید کند باید برود یک فرآیندی را طی کند، علوم دینی را بخواند، از یک قدرتی هم برخوردار شود که بتواند احکام دین را استخراج کند، بقیه مردم وظیفه‌شان تقلید است. چه کسی گفته تقلید کنیم؟ قرآن، امام معصوم. از چه زمانی تقلید مطرح شده است؟ از زمان غیبت امام زمان؟ نه قبل از آن، شاید صد سال قبل از غیبت امام زمان (ع) این رویه بوده، مراجعه به کارشناس دینی، حتی در زمان امام معصوم، اگر می‌خواهیم عبادتمان صحیح باشد، باید تقلید کنیم. بعضی از روی بی‌اطلاعی این را می‌گویند: من تابع قرآن هستم، کاری به مرجع تقلید ندارم. اگر مسئله‌ای را می‌شنود می‌گوید اگر این مسئله در قرآن باشد من تبعیت می‌کنم. جواب ما این است که دین مجموعه‌ای است از قرآن و سنت پیامبر و ائمه، اگر ما بخواهیم فقط به قرآن تکیه کنیم حتی همین نماز را هم نمی‌توانیم بخوانیم. در قرآن چگونه نماز بخوانیم نیامده است. چیزهایی که نماز را باطل می‌کند در قرآن آمده است؟ اوقات نماز از چه وقت تا چه وقت است؟ چند نمازهایی باید بخوانیم؟ جزئیات روزه در قرآن بیان نشده است. جزئیات خمس و زکات و حج و جهاد در قرآن بیان نشده است. در کنار قرآن حتماً نیازمند به سنت هستیم. سنت را از

پیامبر و امامان معصوم می‌گیریم که جزئیات مقررات و دستورات دینی است. امامان معصوم، علوم را به شاگردانشان یاد دادند تا الان که هزار و چند صد سال از آغاز اسلام گذشته همین طور سینه به سینه تا به روزگار ما رسیده است. از فقهایی که عادل هستند، و عالم هستند، پیروی می‌کنیم. در چه مسائلی؟ در اعتقادات نه، در اعتقادات با عقلمان دلیل می‌آوریم، در اخلاقیات هم فطرت خدا در نهاد ما قرار داده. اما در احکام و دستورات دینی از فقیه جامع شرایط تقلید می‌کنیم تا عبادت ما صحیح باشد. سرخود نمی‌توانیم شکل عبادت را تغییر دهیم.

درس چهارم

شرایط قبولی عبادات: گفتیم برای عبادات چهار مرحله شمرده‌اند، مرحله اول تکلیف و مرحله دوم صحت، که هر کدام شرایط خاص خود را دارد. در جلسه قبل شرایط این دو مرحله را بیان کردیم. در این قسمت دو مرحله دیگر و شرایط آنها را بیان می‌کنیم. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم و نماز و عبادت دیگرمان صحیح بود، حالا می‌رسیم به مرحله ای که چکار کنیم این عبادت قبول شود. اوج شاهکار اسلام در این مرحله است. اسلام عزیز همه مسایل زندگی را به عبادت گره زده است. می‌گوید اگر می‌خواهد عبادت قبول باشد باید همسر داریت خوب باشد. اگر می‌خواهید عبادت درست باشد بچه داریت درست باشد. اگر می‌خواهید عبادت قبول باشد باید کسب و کارت حلال باشد. اگر می‌خواهید عبادت درست باشد باید روابط اجتماعی و تعاملت با دیگر انسان‌ها در چارچوب دین باشد. آنقدر این مسایل دینی، انسان ساز است که متأسفانه کم به این مرحله عبادت توجه می‌کنیم. روز قیامت از کسانی می‌پرسند نماز خوانده اید؟ می‌گویند بله، صحیح بوده نمازش اما رتبه ای نمی‌گیرد، اما قبول نشده. چکار کنیم عبادت ما قبول شود. حالا که زحمت می‌کشیم، روزه می‌گیریم، خمس می‌دهیم، حج می‌رویم، نماز می‌خوانیم، چکار کنیم که نمازمان قبول شود؟ برای قبولی نماز و قبولی عبادات دیگر صدها حدیث آمده است. شرایط اعتقادی دارد، شرایط سیاسی دارد، شرایط اخلاقی دارد، شرایط اقتصادی دارد، شرایط بهداشتی دارد، شرایط اجتماعی دارد. به بعضی از آنها اشاره ای می‌کنیم.

حضرت امام خمینی (ره) فرمود: نماز کارخانه انسان‌سازی است. بخشی از آن در همین شرایط قبولی است.

امیرالمومنین (ع) فرمود: "کونوا لقبول العمل أشد أهتماماً من العمل".

به قبولی نسبت به خود کار بیشتر حساس شوید. قبولی نماز از خود نماز برایتان مهم‌تر باشد. قبولی روزه از خود روزه برایتان مهم‌تر باشد. قبولی حج از خود حج برایتان مهم‌تر باشد. پس چکار کنیم که قبول شود؟ اول شرایط اعتقادی را باید در نظر بگیریم. باید به خدا ایمان داشته باشید. ایمان از شرایط قبولی است. "و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله" هر که ایمان نداشته باشد عملش حبط است، ضایع است قبول نمی‌شود. حالا کسی دولا راست شود و یک نمازی هم بخواند، به عربی صحیح بخواند، اما عقیده ندارد به خدا، عقیده ندارد به اسلام، عقیده ندارد به انبیاء این قبول نیست.

شرط دوم تقوا است. "إنما يتقبل الله من المتقين"، خداوند قبول می‌کند از باتقواها، پس معلوم می‌شود گناه مانع قبولی است. مقابل تقوا آلودگی است، گناه است. این قصه را بسیاری از شما عزیزان شاید شنیده باشید که زمان امام صادق (ع) اسم کسی سر زبان‌ها افتاده بود به عنوان یک فرد خیر و خدمت‌کار به افراد بیچاره. امام صادق فرمود: من می‌خواهم این را ببینم، نشان دادند. امام ایشان را تعقیب کرد. دیدند آن شخص رفت در مغازه ای دو تا انار دزدید، دو تا نان دزدید. و آمد محله فقرای در خانه ای را زد و آن دو انار و دو نان را داد به یک خانواده بیچاره. امام فرمود: تو چرا این کار را کردی؟ گفت کار من یک کار قرآنی است. حضرت فرمود: کجای قرآن این رویه را به شما آموزش می‌دهد، گفت قرآن می‌فرماید: که اگر گناه کنی یک برابر کیفر دارد، اگر ثواب بکنی ده برابر پاداش دارد. من دو تا انار دزدیم این دو تا گناه. دو تا نان دزدیم این دو تا گناه می‌شود چهار تا گناه. بعد اون چهار تا انار و نان را دادم به آن بیچاره. بنابراین چهل ثواب می‌شود. چهار تا گناه کردم چهل تا ثواب کردم پس از هم کم کنیم ۳۶ ثواب برای من می‌ماند. امام عصبانی شدند و به او فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند، مگر نخوانده ای این آیه قرآن را "إنما يتقبل الله من المتقين"، مگر با مال دزدی می‌شود مکه رفت، مگر با مال دزدی می‌شود به هیئت کمک کنی، به فقیر کمکی کنی این ثواب دارد. اختلاس کرده، دزدی کرده و بعد می‌گویند من ۵۰ درصدش را می‌دهم در راه خیر. این انفاق قبول نیست. مال حلال قبول است. آیات انفاق که در سوره بقره آمده "أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ" از مال حلال انفاق بکنید.

پس شرط اول شرط اعتقادی است. شرط دوم شرط اخلاقی. یعنی فرد گناهکار اگر عبادتی انجام دهد عبادتش مورد اشکال است، قبولی عبادات شرط سیاسی دارد. در حدیث می‌خوانیم اگر کسی در همه عمر عبادت کند اما به رهبر سیاسی که خدا او را می‌پسندد اعتقاد نداشته و قبول نداشته باشد، عبادتش قبول نیست. امام باقر (ع) فرمود: "من دان الله عزّ و جلّ بعبادة يجهد فيها نفسه و لا امام له من الله غير مقبول"، دین فقط بعد فردی ندارد، بعد اجتماعی سیاسی دارد. اعتقاد و همبستگی با رهبر عادل، در زمان پیامبر، پیامبر در زمان امام معصوم، جانشین پیامبر، در زمان غیبت امام عصر (عج)، ولی فقیه، مراجع بزرگوار تقلید، اینها سلسله ای هستند که ما را به خدا می‌رساند. بی‌اعتنایی ما نسبت به این امر سیاسی در قبولی عبادت ما تأثیر می‌گذارد.

در حدیث می‌خوانیم "فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملاً"، هر که ولایت ما را نداشته باشد اعمال او بالا نمی‌رود، به سمت آسمان نمی‌رود. امام باقر علیه السلام فرمود: "وَمَا تَنَالُ وَلَا تَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ" به ولایت ما هم کسی نمی‌رسد مگر با پرهیز و دوری از گناه، مگر با اقدام.

امامان ما شرط چهارمی برای قبولی عبادات شمرده‌اند و آن شرط اقتصادی است. امام رضا (ع) فرمود: هر که زکات ندهد و نماز بخواند نمازش قبول نیست. "من صلا و لم یزک لم تقبل صلاته"، هر که نماز بگذارد اما زکات ندهد، یعنی توجه به بیچارگان، بینوایان، با عبادت گره خورده. ۲۸ مورد در قرآن صلاه و زکات کنار هم آمده، عبادات شرط اجتماعی دارد. رسول خدا (ص) فرمود: "مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً"، هر کس غیبت مرد مسلمان یا غیبت زن مسلمانی را بکند، "لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ"، خداوند نه نماز او را و نه روزه او را قبول نمی‌کند تا چهل شبانه روز "أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ"، مگر اینکه برای کسی که غیبتش را کرده طلب مغفرت بکند هم از خدا عذرخواهی بکند برای گناهی که کرده، هم از کسی که غیبتش را کرده طلب مغفرت بکند. پیامبر فرمود: "یا اباذر! ایاک و هجران اخیک" نکنه با دوستت قهر کنی، قطع رابطه کنی. "فان العمل لا يتقبل مع الهجران"، وقتی دو مسلمان با هم قطع رابطه می‌کنند عبادتشان قبول نیست. شما توجه کنید چقدر این مشکل در محیط ما وجود دارد، خواهر با خواهر، خواهر با برادر، فامیل با هم، همسایه با هم، سر مسئله‌ای و بهانه‌ای با هم قطع رابطه می‌کنند. عبادات آنها زیر سؤال می‌رود. امام صادق (ع) می‌فرماید: "لا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَهُوَ مُضْمِرٌ عَلَى أَخِيهِ سُوءٌ"، خداوند عبادت مؤمنی که در دلش سوء نیت دارد را قبول نمی‌کند. باید موفقیت دیگران را بخواهیم، عزت دیگران را بخواهیم، سلامت دیگران را بخواهیم، ببینید این عبادت اسلام است. جدای از بقیه زندگی نیست، گره خورده به همه مسائل زندگی. قبولی عبادت، شرط خانوادگی دارد. پیامبر (ص) فرمود: "من كان له امرأتاً او ذیک لم يقبل الله صلاتها و لا حستاً من عملها"، اگر مردی همسری دارد که او را اذیت می‌کند، نه نماز او و نه هیچ عمل خوب او قبول نمی‌شود. بعد فرمود: "و علی الرجل مثل ذلک" مرد هم همین طور است اگر همسرش از او راضی نباشد نه عبادتش و نه نمازش و نه کار او قبول نمی‌شود. این است شاهکار اسلام. مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را به عبادات گره زده است.

در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق (ع) فرمود: "مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظْرَ مَاقَةٍ" اگر کسی به صورت پدر و مادر نگاه خشم آلود کند، "وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً". گرچه والدین بد کرده باشند، عبادات او قبول نمی‌شود. یک حدیثی داریم که اگر زنی تمام عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج برود، مال زیادی را در راه خدا انفاق کند اما شوهرش راضی نباشد، عبادتش قبول نیست. همچنین اگر مردی همه عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رفته باشد و سالهای زیادی را در جهاد حضور پیدا کرده باشد همسرش از او راضی نباشد، عبادتش قبول نیست. ما باید برای قبولی نماز یک بابی را باز کنیم، فکر کنیم، برنامه ریزی کنیم، دغدغه داشته باشیم، قبولی نماز خیلی مهم است. به هم کمک کنیم، با هم مشورت کنیم این ایستگاه، خیلی مهم است.

درس پنجم

عبادت چهار مرحله دارد هر مرحله‌ای هم شرایطی دارد، مرحله تکلیف، مرحله صحت، مرحله قبولی و مرحله کمال. سه مرحله را در درس های قبل گفتیم. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم، یعنی بالغ شدیم، عاقل شدیم و توانایی داشتیم به مرحله دوم می‌رسیم که آن صحت است، یعنی عبادت را صحیح باید انجام دهیم و عبادت صحیح را باید از یک مرجع تقلیدی که جامع شرایط است پرسیم. و بعد از این مرحله کارهایی را باید انجام دهیم که قبول باشد، مرحله سوم قبولی است. شرایط زیادی داشت که در مرحله قبل گفتیم، شرایط اخلاقی، شرایط اجتماعی، شرایط اعتقادی، شرایط سیاسی، شرایط خانوادگی، بعد از این سه مرحله، مرحله چهارم کمال عبادت است. اگر بخواهیم عبادت را به ساختمانی تشبیه بکنیم، ساختمان یک ارکانی دارد از جمله: ستون ها، فونداسیون. یک واجباتی دارد از جمله: درب و پنجره، وسیله گرمایشی، وسیله خنک کننده. بعد از اینکه ساختمان شکل گرفت این دفعه یک چیزهایی است برای آرایش ساختمان، لوستر، رنگ آمیزی، تابلوها و نورپردازی. در مرحله چهارم می‌رسیم به جاییکه می‌توانیم کارهایی را انجام دهیم که عبادات ما نور باران بشوند، آرایش بشوند و به آسمان بروند. فرشته ها نشان دهند این عبادت ما را. مثل اینکه آن عبادت را در اول وقت انجام دهیم. نشان دهنده فرمانبری ما است. اگرچه وقت نماز ظهر توسعه دارد از زوال آفتاب تا چهار رکعت به مغرب وقت دارد. اما کسی که نمازش را زودتر می‌خواند نمازش کامل تر است. پیامبر فرمود: نماز اوّل وقت مثل من است و نمازهای با تأخیر مثل پیامبران دیگر است. و در حدیثی فرمود: نماز اوّل وقت مثل خورشید است و نمازهای دیرتر مثل ستاره ها.

مستحباتی را امامان به ما آموخته اند. همه آنها مثل کمال عبادت است. مثل اینکه با لباس پاکیزه به عبادت بایستیم. مسواک بزنیم، بوی خوش استفاده کنیم، در مسجد نماز بخوانیم، به جماعت آن عبادت را برگزار بکنیم. اینها عامل هایی هستند برای کمال عبادت. در احادیثی به ما گفته اند آنهايي که به ناچار عبادتشان را در یک موقعیت سختی انجام می دهند، نمازشان کامل تر از دیگران است. مثل جبهه جنگ. یا کسی که مریض است می‌خواهد عبادت انجام دهد به سختی انجام می‌دهد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: "أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُكْرِهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ"، برترین عمل ها، عملی است که خودت را به سختی بیندازی، یک کسی ناپینا است، یا ناشنوا، یا از نظر اعضای بدن با دشواری روبرو شده، دستش شکسته، پایش شکسته و در بیمارستان بستری

است اما در عین حال نمازش را به وقت انجام می‌دهد. او نمازش کامل تر است. پس یکی از شرایط کمال آن است که آن عبادت در موقعیت دشوار انجام شود. دوم اینکه سبقت داشته باشد، فراخوان عبادت که زده می‌شود کسی که زودتر به سمت عبادت حرکت می‌کند نمازش کامل تر است، عبادتش کامل تر است، قرآن می‌فرماید: "لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلَ أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى"، کسانی که قبل از فتح مکه به میدان جهاد آمدند با آنهایی که بعد از فتح مکه آمدند خیلی فرق می‌کنند. مثل آنهایی که قبل از ۲۲ بهمن و دو، سه ماه زودتر آمدند به میدان تظاهرات. خوب ریسک بیشتری لازم داشت، خطر بیشتری بود. کسانی که سرعت دارند، سبقت دارند، عملشان کامل تر است. در حدیث می‌خوانیم صبح جمعه که می‌شود فرشتگانی می‌آیند محل نماز جمعه، کاغذ و قلمی دستشان است و به ترتیب کسانی که به محل نماز جمعه می‌رسند را ثبت نام می‌کند. اول سختی، دوم سبقت، سوم کار مهم تر نشان دهنده کمال است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: تا فامیل محتاج دارید صدقه به دیگران نمی‌رسد. نه اینکه آن صدقه ثواب نداشته باشد، ولی کامل نیست. صدقه کامل صدقه ای است که اولویت در آن لحاظ شود. قرآن می‌گوید اگر می‌خواهید انفاق کنید، اول والدین، بعد بستگان نزدیک، بعد یتیمان، بعد بیچاره‌ها. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: "لا خير في النوافل إذا أضرت بالفرائض"، اگر نمازهای نافله آسیب می‌رساند، ضرر می‌رساند به واجبات، آنها را انجام ندهید. نماز واجب اولویت دارد. اگر احیاء می‌رود نماز صبحش قضا می‌شود. اگر می‌رود هیئت نماز صبحش قضا می‌شود. نباید به آن هیئت رود. این اولویت نشانه کمال است.

از نشانه‌های کمال: سبقت، اولویت، سختی، نشاط و دوام است. خیلی‌ها هستند عبادت می‌کنند اما موسمی است، مقطعی است. اگر دوام داشته باشد نشان دهنده کمال است. قرآن می‌فرماید: "و علی باستقاموا الطریقه اسغیناهم ما انقدها"، اگر در راه خدا استقامت نمایند ما آب گوارا، باران گوارا برای آنها نازل می‌کنیم. امیرالمؤمنین (ع) درباره استقامت می‌فرمایند: "قلیل مدوم علیه، خیر من کثیر مملول منه"، کم ادامه دار، بهتر است از زیاد مقطعی. عبادت‌هایمان را مستمر انجام دهیم، هر شب جمعه یک صفحه دعای کمیل بخوانیم. بهتر از این است که یک شب جمعه تمام دعای کمیل را بخوانیم و بقیه طول سال نخوانیم. دعای جوشن کبیر را از اول ماه رمضان هر شب یک مقدار آن را بخوانیم، اما ادامه داشته باشد، نمازهایمان را در مسجد بخوانیم،

اذان بگویم، بوی خوش استفاده کنیم، اینها نشانه کمال است، مثل ساختمانی که لوستر دارد، رنگ آمیزی دارد، نورپردازی دارد، نماز را با صدای خوش بخوانیم. سفارش شده، اینها از کمالات نماز است، با لحن عربی بخوانیم، سفارش شده است از شرایط کمال نماز، یکی اینکه با بصیرت باشد، نمازی که می‌خوانیم با معنایش، با مفهومش با تفسیرش آشنایی پیدا کنیم، این مغضوبینی که در سوره حمد می‌خوانیم چه کسانی هستند؟ ضالین چه کسانی هستند؟ انعمت علیهم چه کسانی هستند؟ صراط المستقیم چه راهی است؟ سبحان الله یعنی چه؟ اشهد برای چه می‌گوییم؟ از چیزهایی که نماز را کامل می‌کند یکی این است که ما مغرور نشویم به نمازمان، نماز و عبادت خودمان را کوچک حساب کنیم، کم حساب کنیم. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: "وَلَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ". در عبادتی که اندیشه در آن نباشد، چرا من عبادت می‌کنم؟ من در این هستی چه جایگاهی دارم؟ از همسر پیامبر پرسیده اند: بهترین خاطره ای که از پیامبر سراغ دارید چه خاطره ای است. گفتند: شب زنده داری پیامبر، مقدار کمی که شب استراحت می‌کرد، از خواب بر می‌خاست، به حیاط منزل می‌آمد به ستاره ها چشم می‌دوخت و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره آل عمران را تلاوت می‌کرد: "إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ"، حقیقت این است که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان. "الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ"، خردمندان کسانی هستند که ذکر خدا را در هر حال دارند، ایستاده، نشسته و خوابیده. و علاوه بر ذکر فکر می‌کنند، "يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ"، در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال این ذکر و فکر دست به دعا بر می‌دارند که "سبحانک و قنا عذاب النار"، پروردگارا تو منزهی از اینکه این جهان را بیهوده بیافرینی، حتماً مرا برای هدفی آفریده ای، پس دستم را بگیر و از آتش نجات بده. در حدیث می‌خوانیم: "ان العمل الدائم القليل على اليقين و البصيرة أفضل عند الله من العمل الكثير على غير اليقين و الجهد"، عبادت پیوسته کم، اما با یقین، با معرفت برتر است نزد خدا از عبادتی که زیاد باشد ولی یقین در آن نباشد.

درس ششم

به درس ششم رسیدیم، فلسفه عبادات یا فلسفه احکام. زیاد از فلسفه احکام سوال می‌شود و سابقه هم دارد، از همان سال‌های اول که اسلام جهانگیر می‌شد به خصوص از وقتی که غیرمسلمان‌ها وارد فضای جامعه اسلامی شدند پرسش می‌کردند که چرا خدا، چرا انبیاء باید بیایند؟ چرا انسان دوباره زنده می‌شود؟ چرا نماز؟ چرا روزه؟ چرا حجاب؟ چرا شراب حرام است؟ چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟

در این درس خیلی مختصر می‌خواهیم راجع به فلسفه احکام با هم صحبت بکنیم. به چند سوال می‌خواهیم جواب دهیم، آیا احکام فلسفه دارد یا نه. سؤال دوم، اگر احکام فلسفه دارد آیا احکام بیان شده است یا نه؟ سوال سوم، چرا بعضی از احکام فلسفه شان بیان نشده است.

در مورد سؤال اول می‌خواهیم بگوییم که بله احکام فلسفه دارد، چرایی دارد، حکمت دارد، دلیل دارد، چرا؟ چون از جانب خدا آمده است. خداوند هیچ چیزی را بی هدف نمی‌آفریند و هیچ دستوری را بی هدف صادر نمی‌کند، یکی از اسم‌های خداوند، حکیم است، یعنی آفریده‌های او با حکمت است، دستوراتش با حکمت است، تمام عبادات، تمام احکام حکمت دارد، فلسفه دارد.

سوال دوم، آیا فلسفه احکام، فلسفه عبادات بیان شده، جوابش این است که غالباً بله، به آیات قرآن مراجعه کنیم، غالباً می‌بینیم به دنبال دستور، به دنبال امر، به دنبال نهی، فلسفه آن بیان شده است. ما گاهی بی دقتی می‌کنیم، روزه بگیرد تا تقوا داشته باشید، نماز بخوانید تا یاد خدا باشید، جهاد کنید تا عزیز باشید. فلسفه آن بیان شده است. ممکن است یک عبادتی یا یک حکمی چند فلسفه داشته باشد. مثل اینکه اطباء گاهی یک دارو را برای چند منظور می‌دهند. برای همین می‌بینیم که در قرآن و حدیث گاهی برای یک حکم، سه یا چهار یا بیشتر حکمت بیان شده است.

امام رضا(ع) فرمودند: وضو چند حکمت دارد، یکی برای پاکیزگی است، یکی برای نشاط و شادابی است، یکی برای روشنایی دل است. نگاه کنید یک فلسفه بهداشتی، بهداشت جسمی. دوم فلسفه بهداشت روانی، سوم فلسفه معنوی است.

ما کتابهایی مستقل در دست داریم به نام علل الشرایع، یعنی فلسفه احکام، که امامان ما، مخصوصاً امامانی که فرصت‌های ویژه‌ای در اختیارشان قرار گرفته است، از جمله: امام صادق(ع)، حضرت امام رضا(ع)، شاید

هزاران مورد پاسخ فلسفه احکام را فرموده اند، چرا نماز بخوانیم؟ چرا اینطور نماز بخوانیم؟ چرا رکوع، چرا سجده، چرا می ایستیم؟ چرا اذان می گویم؟ چرا وضو می گیریم؟ چرا با خاک تیمم می کنیم؟ چرا یک رکوع، چرا دو سجده، چرا؟ چرا؟ فلسفه احکام در قرآن و در حدیث بیان شده است .

سوال سوم این بود که بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ این هم یک دلیلش این است که امام معصوم فرمود در آخر زمان انسان وقتی که به رشد عقلانی می رسد راز این احکام را خواهد یافت، یک بستری است برای کنکاش و پژوهش انسان های وارسته.

یک مسئله دیگر هم هست و آن این است که گاهی فلسفه بعضی از احکام گفته نشده است. مثل فرماندهی که پیداست دستوراتش حکیمانه است اما بعضی از دستوراتش را سربازها متوجه نمی شوند، برای چیست؟ دستورات سختی است، ولی در پایان می فهمند که این مانور بود، این دستور برای شناسایی آنها بوده. فرمانده می خواست برایش روشن بشود که اینهایی که ادعا می کنند آیا در سختی ها هم تابع هستند. ما چیزی در اسلام داریم به نام تعبد، تسلیم، چرا نماز می خوانیم؟ چون تسلیم خدا هستیم؟ آفریدگار ما برای خوشخبتی ما این دستور را صادر کرده است. چرا روزه می گیریم؟ چرا حجاب داریم؟ چرا شراب را حرام می دانیم؟ مطمئن هستیم در حرام ها فساد و ضرری است. مطمئن هستیم در واجب ها، فایده ای برای انسان ها است، مصلحتی است، تبعیت می کنیم چه فلسفه آن را بدانیم و چه ندانیم، معطل نمی مانیم و بگوییم که ما تا فلسفه روزه را ندانیم روزه نمی گیریم. آنوقت می شویم اسیر فلسفه، نه ما عبد خداوند هستیم، همین اندازه که می دانیم خداوند این فرمان را داده اطاعت می کنیم، تسلیم هستیم، البتّه خود خدا ما را کنجکاو آفریده است، دوست داریم راز آن حکم را بدانیم و از همین جهت هم است که خداوند در کتابش اسرار عبادات را بیان فرموده است.

اما گاهی می فرماید ما عدد مأموران جهنم را ۱۹ قرار دادیم تا ببینیم چه کسانی فضولی می کنند، اصلاً خود این عدد را قرار دادیم برای یک آزمون. "وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً" این عدد ۱۹ را قرار ندادیم مگر برای آزمون .

در زمان قدیم می گفتند فردی در خیابان لاله زار تهران رد می شد و دید شخصی ایستاده و مدام تکرار می کند ۱۹، ۱۹، ۱۹، گفت آقا منظورتان چی است؟ او جواب نداد. یک نفر تازه ای رسید و گفت آقا چرا مدام تکرار

می کنید ۱۹، ۱۹، و گفت: ۲۰، ۲۰، ۲۰، و جواب نداد، و در آخر گفتند جان هرکسی که دوست داری بگو قصه اش چیست؟ گفت من از صبح تا به حال فضول ها را می شمرم. تو فضول نوزدهمی هستی.

گاهی خداوند می خواهد به خود انسان ها نشان بدهد که واقعاً عبد خداوند هستند، سرتاپا تسلیم فرمان خداوند هستند، این یک آزمون است، مثلاً پیامبر عزیز اسلام تا در مکه بود به سمت بیت المقدس نماز می خواند، دستور این بود، و در مدینه هم به سمت بیت المقدس نماز می خواندند. در یک نماز ظهری دستور آمد که رویتان را از بیت المقدس به سمت کعبه بچرخانید یک ولوله ای در جامعه پیش آمد، برای چه چیزی؟ آیا قبله اولی درست بوده یا این درست است؟ اگر اولی درست بوده چرا عوض شده؟ اگر این قبله درست است پس این همه نماز خواندیم پس ثوابش چی می شود؟ جواب آمد که خود این یک آزمون بود. هم قبله اول درست بود، هم این قبله درست است، هر دو فرمان خداوند است. این تغییر قبله یک آزمونی بود برای شناسایی متعبد ها، برای شناسایی تسلیم ها.

ارث زن و مرد فرق دارد چرا؟ مگر ما انسان نیستیم، مگر دختر و پسر با هم فرق دارند؟ نه دختر و پسر از یک گروه آفریده شده اند ولی حکمتی در آن است.

دیه زن و مرد فرق دارد. حکمتش را هم امام رضا (ع) بیان فرموده است. حالا فرض کنیم ما آن حکمت را ندانیم. می گوییم که ما بنده خداوند هستیم هر چه خدا بفرماید. وظایف زنان، وظایف مردان، به هرگونه که خداوند امر فرموده اطاعت می کنیم، تسلیم هستیم.

در این درس گفتیم که آیا احکام فلسفه دارد؟ جواب دادیم بله. چون از جانب خداوند حکیم آمده، مگر می شود خداوند حکیم، دستوری را بی حکمت بفرستد.

سوال دوم - آیا فلسفه احکام بیان شده است؟ جواب دادیم بله بیش از ۹۰ درصد احکام قرآن در قرآن در حدیث فلسفه شان بیان شده است. چرا روزه بگیریم، چرا اعمال حج انجام دهیم، فلسفه همه اینها موجود است.

سوال سوم - چرا فلسفه بعضی از احکام بیان نشده است؟ ۲ دلیل دارد. یکی از دلایلش را امام (ع) فرمودند که چون در آخر الزمان انسان ها به اوج عقل و اندیشه می رسند و خودشان فهم می کنند اسرار بعضی از احکام را. و دلیل دیگرش آزمونی است برای تعبد که معلوم شود ما برای چه چیزی عبادت می کنیم، ما بنده خدا

هستیم، "بندگی کن تا که سلطنت کنم". اگر بزرگی می‌خواهی بندگی کن چه فلسفه اش را بدانیم و چه ندانیم. ما از آن اول پذیرفتیم که این جهان خدایی دارد، آن خدا بندگانش را آفریده و جهان را در اختیار آنها قرار داده و برای خوشبختی آنها پیامبران را و کتاب‌هایی را به عنوان برنامه زندگی فرستاده است. ما تسلیم آن خدا هستیم و می‌توانیم تسلیم نباشیم و لج کنیم، مقابل خدا بایستیم و سرکشی کنیم، اما بندگی یعنی تسلیم دستورات خداوند بودن چه فلسفه آن احکام را بدانیم یا ندانیم، البته خداوند فلسفه احکامش را در قرآن بیان کرده و به زبان پیامبران (ص) و معصومین (ع) بیان شده، احکام، عبادات، تمامش اسرار دارد، فلسفه دارد، در طی این هزار و چند صد ساله کتاب‌های زیادی تحت عنوان اسرار الصلاة، اسرار الخمس و اسرار الحج پدید آمده است. در روزگار خود ما کتاب‌های زیادی به زبان فارسی نوشته شده، عبادات و احکامی که در شریعت آمده اسرار دارد و بیان شده است. آن اسرار در قرآن و حدیث تعدادش هم برای آزمون ما بیان نشده است.

درس هفتم

در بین عبادات، نماز از یک برجستگی برخوردار است. نماز، از وقتی که به تکلیف می‌رسیم تا از دنیا می‌رویم هست، نمازهای شبانه روزی، نمازهای مستحبی، نماز جمعه، در اسلام ۳۵۰ نوع نماز طراحی شده است، یعنی رابطه معنادار با خدا. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "الصلاة عهد الله"، نماز عهد خدا است. فرمودند: "قرته العين في الصلاة"، نور چشم من در نماز است.

در قرآن کریم، نماز از مشترکات ادیان شمرده شده است. درباره نماز حضرت ابراهیم (ص)، نماز حضرت اسماعیل (ع)، نماز حضرت موسی (ع)، نماز حضرت عیسی (ع)، نماز حضرت زکریا (ع)، نماز حضرت مریم (ع)، نماز حضرت شعیب (ع) و نماز پیامبر اسلام (ص) آیه یا آیاتی آمده است. از مشترکات ادیان است. در همه ادیان آسمانی نماز بوده و هست. فرمود: روز قیامت اولین ایستگاه، ایستگاه نماز است. اگر نماز مورد قبول واقع نشود بقیه اعمال قبول نمی‌شود. پیامبر اسلام (ص) به محض ورود به مدینه، اولین کاری که کرد جایی برای نماز خواندن که مسجد بود، ساخت. یکسال بعد جنگ‌ها شروع شد. پیامبر اکرم (ص) اصرار داشت در جنگ‌ها نماز، در پیشانی کار باشد، معلوم شود جنگ ما با همه جنگ‌های دنیا متفاوت است. ما بندگان خدا هستیم، در این جبهه خداپرستان می‌جنگند.

آیه ۱۰۲ از سوره نساء پیامبر اسلام را موظف کرد نماز را با رزمندگان به جماعت بخوانند. اینها نشانه اهمیت نماز در بین عبادات است.

خود ما هم مشاهده کردیم اگر کسی نماز نخواند خیلی بعید است روزه بگیرد، خیلی بعید است اهل خمس دادن باشد. نماز ستون خیمه دین است. نماز چشم دین است. نماز سر دین است. نماز پرچم دین است. پیامبر (ص) فرمودند: "موضع الصلاة من الدین كموضع الرأس من الجسد". جایگاه نماز در دیدن شباهت دارد به جایگاه سر در پیکر. سر را اگر از پیکر جدا کنیم یک لاشه متعفن می‌شود، ممکن است یک پیکر دست نداشته باشد، چشم نداشته باشد، پا نداشته باشد اما بدون سر چه؟

وقتی پیامبر اسلام، معاذ بن جبل را به استانداری یمن منصوب کرد، نامه ای را برای او نوشت. یک فراز آن نامه این است. ای استاندار، استاندار فقط یک عالم دین نیست، کارهای اقتصادی عمرانی دارد و کارهای فرهنگی امام به معاذ فرمودند: ای معاذ: "أظهر أمر الإسلام كله"، تمام اسلام را پیاده کن، "صغیره و

کبیره"، مسائل کوچک و کلان اسلام را، "و لکن اکثر همک الصلوة"، اما بیشترین دغدغه تو نماز باشد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه اش به استاندار مصر فرمودند: "إِجْعَلْ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ لِلصَّلَاةِ". گل وقت خود را، پربهترین وقت شبانه روز خود را برای نماز قرار بده. به استانداران، به قاضیان، به فرماندهان نظامی، پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) امر می کردند خودتان امام جماعت بشوید. دغدغه برپایی نماز جماعت را داشته باشید. فرمودند: نماز صورت دین شما است. سیمای دین شما است. نماز کلید بهشت است. نماز میزان و وسیله سنجش مردم است.

وهی الاخر وصایا الانبیا، آخرین دغدغه و وصیت انبیاء نماز بوده، ما دشمنی داریم که در قرآن ۹۹ بار نامش آمده ۸۸ بار به نام شیطان ۱۱ بار به نام ابلیس، ۱۴ بار خداوند در قرآن فرموده اند: او دشمن است، مسلمانان بیدار باشید. "فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا"، او را دشمن حساب کنید. در احادیث بیان شده است: شیطان با نماز مخالف است، مواظب باشید.

"إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ". شیطان اولین هدفش این است که می خواهد بین شما دودستگی و تفرقه ایجاد کند و هدف دوم او این است که مانع یاد خدا و اقامه نماز شود. امروزه شیاطین جن و انس، ابرقدرت ها، استکبار جهانی، در قالب فیلم، در قالب رمان و در قالب انیمیشن هدفدار کار می کنند. یکی از هدف هایشان خاموش کردن فروغ نماز است. خلوت کردن مساجد از نوجوانان و جوانان است.

حضرت عیسی (ع) در گهواره که به زبان آمد این را فرمودند: "وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا"، تا زنده ام خداوند مرا به نماز و زکات سفارش فرموده، آنقدر نماز اهمیت دارد که حضرت ابراهیم (ع) سرزمین خوش آب و هوای فلسطین را ترک کرد و به مکه آمد برای چه؟ برای حج؟ نه، فرمودند برای نماز، "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ". من خانواده ام را اسکان دادم در سرزمین بی آب و علفی، نزدیک خانه تو ای خدا، "رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ"، پروردگارا هدف من اقامه نماز است.

کسانی بودند حاضر بودند مسلمان شوند ولی نماز نخوانند. از جمله مردم طائف، پس از فتح طائف طائفی ها مقاومت می کردند. جمعی از نمایندگان طائف نزد پیامبر(ص) آمدند که ما همه اسلام را می پذیریم ولی نماز

نمی‌خوانیم، پیامبر(ص) مسلمانی آنها را قبول نکرد. فرمودند: "رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ لَهُ"، در دینی که همه چیز هست اما نماز نیست خیر نیست. ما گاهی این حدیث را می‌خوانیم نماز ستون دین است ولی قبول نداریم. ستون را حساب می‌کنیم مثل ستون های ینولیتی که بچه ها در صحنه تئاتر می‌گذارند و بعد از تمام شدن نمایش هم آن ستون ها را بر می‌دارند و هیچ سقفی هم فرود نمی‌آید. ما باید در عمل نشان بدهیم که نماز ستون دین است. یک مدیر مدرسه، یک مدیر اداره وقتی به نماز اهتمام ندارد چطور می‌تواند ادعا کند که نماز ستون دین است. یک استاندار، یک فرماندار که صد روز می‌گذرد یک روز در نماز جماعت حضور پیدا نمی‌کند چطور می‌تواند ادعا کند که نماز ستون دین است.

آن مرد نابینا وقتی به پیامبر اکرم(ص) گفت گاهی کسی نیست من را بیاورد مسجد من در خانه تنها نماز می‌خوانم قبول است؟ پیامبر اکرم(ص) فرمودند نه جماعت، یک طنابی از خانه به مسجد وصل کن حتی وقتی که کسی نیست دستت را به طناب بگیر و به مسجد بیا. حالا اگر وزیر باشد پیامبر اکرم(ص) به او چه می‌گوید؟ وزیر جمهوری اسلامی ایران، مدیر، فرمانده، می‌گوید من نماز را در اتاق خودم می‌خوانم، قابل قبول نیست. در میدان جنگ آیه ۱۰۲ از سوره نساء پیامبر اکرم(ص) را موظف کرد با اینکه خطر داشت ممکن بود چند نفر کشته شوند، بعضی ها مجروح شوند، جماعت، فرادا نه. مسلمان ها ۳ نفر بودند، پیامبر اکرم(ص) امیرالمومنین(ع)، حضرت خدیجه(ع). روبروی مشرکان به جماعت نماز می‌خواندند، این معنا دارد. کسانی که تاریخ اسلام را نوشته اند گفته اند اولین خونی که در اسلام ریخته شده برای نماز بوده، مسلمان ها یک زمینی را گرفته اند در خارج از مکه می‌رفتند پنهانی نماز را به جماعت می‌خواندند، مشرکان مطلع شدند درگیری پیش آمد، خونی ریخته شد، این ها نشانه اهمیت نماز است. پیامبر اکرم(ص) در لحظه آخر عمرش نگرانی اش از نماز نخواندن نبود از سبک شمردن نماز بود.

استخفاف یعنی چه؟ یعنی نماز می‌خوانم در اتاق خودم. نماز می‌خوانم آخر وقت. اینها استخفاف نماز است. امیرالمومنین(ع) می‌دانسته استاندار تراکم کار دارد، اشتغالاتش زیاد است به او فرموده اول وقت نماز بخوان، اینها معنادار هستند.

حکومت هم از نظر رهنمودهای پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین کارهایی که باید برای نماز بکند مجبور کردن نماز نیست ولی تبلیغات برای نماز، آموزش برای نماز، تمهیدات برای نماز، تشویق برای نماز، اینها کار حکومت است.

مطمئناً هیچ کس طرفدار نماز اجباری، نماز تشریفاتی، نماز ریایی نیست. اینها که همه می دانند خاصیت ندارد. اما خداوند در قرآن می فرماید: "الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ". خداپرستان کسانی که وقتی به قدرت می رسند، حکومت را در دست می گیرند اولین اقدامشان این است که نماز را به پا می دارند، "وَأَتُوا الزَّكَاةَ"، بازار زکات را گرم نگه می دارند "وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ"، در رأسش اقامه نماز است. الان این بیداری اسلامی که خبرش در دنیا طنین انداز شده، ایران اعلام می کند که این بیداری اسلامی اسمش است نه بهار عربی. منشاء این واقعیت از کجاست؟ از همان نماز، این نماز را که منها کنیم، وقتی در میدان، الله اکبر می گویند و همه در کنار هم نماز می خوانند، این معنای بیداری اسلامی پیدا می کند. از خداوند می خواهیم که همه ما را نسبت به نمازی که قرآن از ما خواسته و پیامبر اکرم(ص) عزیز و امام زمان (عج) از ما انتظار دارند هم آگاه و هم عامل قرار دهد.

درس هشتم

قرآن کریم می‌فرماید: شخصیتِ پیامبر اکرم (ص) را اسوه و الگوی خودتان قرار دهید. در این برنامه می‌خواهیم نگاهی بکنیم به نمازِ معصومین و الهام بگیریم از کیفیتِ نمازِ آنها و نمازهای خودمان را عمیق تر و خوشرنگ تر بکنیم. دربارهٔ نمازِ پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ معصومین (ع)، کتاب‌های مستقلاً تألیف شده است. صدها حدیث دربارهٔ سیرهٔ عبادی پیامبر به ما رسیده است. دربارهٔ سیرهٔ عبادی ائمه به ما رسیده است. در کتابهای حدیثی غالباً یک بابی از سیرهٔ عبادی معصومین (ع) آمده است. ما می‌دانیم که نمازِ شب بر پیامبر اسلام واجب بوده است. در سوره‌های مدثر، مزمل، فرمان نمازِ شب بر پیامبر اکرم (ص) ابلاغ شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند گرسنه با غذا سیر می‌شود، تشنه با آب سیراب می‌شود. اما من از نماز هرگز سیر و سیراب نمی‌شوم. یک نوع عطش و تشنگی نسبت به نماز حس می‌کرد. از خانوادهٔ پیامبر اکرم (ص) نقل است وقت نماز که می‌رسید رنگ از رخسار ایشان می‌پرید یک هیجان و حالتی پیدا می‌کرد که نه او ما را می‌شناخت و نه ما حضرت را. اشتیاق داشت برای نماز، از بس پیامبر اکرم (ص) نماز می‌خواند آیه نازل شد "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى"، خودش را به رنج می‌انداخت، زیاد در پیشگاه خداوند می‌ایستاد و وقتی سؤال می‌کردند یا رسول الله چرا آنقدر عبادت می‌کنید، شما که معصوم هستید، خداوند وعدهٔ بهشت را به شما داده، حضرت جواب می‌داد: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»، آیا بندهٔ سپاسگذاری نباشم. پیامبر اکرم (ص) نسبت به نماز خیلی شیفته بود. حتی در آخرین روزهای عمرش می‌فرمود زیر کتفِ هایم را بگیرید به مسجد ببرید تا نماز را به جماعت بخوانم آیه نازل شد، "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا"، خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر این کار شکبیا باش. ۶ ماه یا ۹ ماه هر روز صبح می‌آمد در خانهٔ دخترش در می‌زد و می‌فرمودند: "الصلاة يرحمكم الله"، رحمت خدا بر شما باد. بخصوص جوان ها را به نماز سفارش می‌کرد. حتی گفتند جوانی است که نماز می‌خواند و گناه هم می‌کند، فرمودند: همان نماز او را از گناه باز خواهد داشت.

سیرهٔ عبادی پیامبر اکرم (ص)، نمازهایی که در میدان های جنگ می‌خواند، اصلاً حرکت رزمندگان از مسجد شروع می‌شد. پیامبر اکرم (ص) کسی را در بین رزمندگان می‌گماشت که وقتِ نماز را اعلام کند، اذان بگوید، اگر شب می‌خوایدند برای نماز صبح کسی دیگران را بیدار کند که خواب نمانند. در میدان های جنگ

حضرت دستور می داد یادگارهایی را به عنوان مصلی بسازند که در آینده معلوم شود خداپرستان از اینجا عبور کرده اند. به بلال می فرمود: ارحنا یا بلال، بلال ما را راحت کن ، اذان بگو، وقت نماز را اعلام کن. حضرت علی (ع) فرمود در لحظه جان دادن پیامبر اکرم (ص)، سر مبارک ایشان بر سینه من بود. دغدغه نماز مردم را داشت. که نکند نماز را سبک بشمارند. در سیره امیرالمومنین (ع) آمده، امیرالمومنین (ع) افتخارات خودش را که می شمرد می فرمود من اولین نمازگزار هستم، من اولین مسلمان هستم. بعضی از شب ها تا هزار رکعت نماز می گذارد. عاشق نماز بود. وقت نماز که می رسید می فرمود: جاء وقت الصلاة وقت نماز رسیده، "إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ" وقت همان امانتی که خدا عرضه کرد به آسمان ها ، زمین و کوه ها و آنها نتوانستند آن امانت را بپذیرند.

امیرالمومنین (ع) که در حدیث آمده، محور نماز است، شهادتش در محراب عبادت صورت گرفت. در مسجد، بعد از اینکه به بام مسجد رفت، در ماه رمضان اذان گفت، آمد و افرادی را که خواب بودند بیدار کرد، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) خواستند پدرشان را که ضربت خورده به خانه ببرند ، امیرالمومنین (ع) فرمود دیگرانی هستند که مرا به خانه ببرند، حسن جان، نماز را ادامه بده و در وصیت نامه اش که با فراز های کوتاه جمع شده، یک فرازش را درباره نماز قرار داد "اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ"، شما را به خدا، شما را به خدا ای حسن و ای حسین و ای تمام کسانی که وصیت علی به دست شما می رسد ، نماز نماز، که ستون دین است.

امام مجتبی (ع) سالار شهیدان اینها تمامشان سیره عبادی دارند، تمام زندگیشان خلاصه می شد در بندگی خدا و آن هم به شکل این نمازی که خدا می پسندد. حضرت ابا عبدالله حسین (ع) که دعای عرفه اش در دنیا پیچیده، روز عاشورا، شب عاشورا چه نمازی اقامه کرد. گزارشگران دشمن گفته اند وقتی آمدیم بین خیمه های حسینی گزارش تهیه کنیم دیدیم صدایی شبیه صدای زنبورهای عسل به گوش می رسد، همه در حال راز و نیاز و نیایش هستند، بعضی در حال رکوع و بعضی در حال سجده. و صبح عاشورا حضرت ابا عبدالله حسین (ع) نماز را به جماعت خواندند، خطبه خواندند. از مکه که حرکت کردند کسی را به عنوان مودن اعلام فرمودند به نام حجاج ابن مسروق، در بین راه خطبه های امام همه پس از نماز ها برگزار شده است. و اوج بندگی حضرت ابا عبدالله حسین (ع) در ظهر عاشورا با اینکه شاید بیش از ده نفر از یاران امام نمانده

بودند، چند نفر جلو ایستادند حضرت فرصتی خواستند تا نماز را به جماعت بخوانند، قبول نکردند. علیرغم این، نماز را در مقابل دشمن به جماعت در اول وقت با اذانی که جوان رشیدش، حضرت علی اکبر (ع) آن را گفتند، بجا آوردند. کسی که وقت نماز را اعلام می‌کند ابو ثمامه سیداوی بود، امام حسین (ع) او را دعا می‌کند که خداوند تو را از نماز گزاران قرار دهد. به حضرت امام سجاده (ع) که می‌رسیم، زینت عبادت کنندگان، سرور سجده کنندگان، کتاب صحیفه سجاده ایشان سیره عبادی خدا پرستان است. یک وقتی از خیابان شریعتی تهران می‌گذشتیم یک دوستی کنار من نشسته بود و مسجدی را نشان داد و گفت من هرگز در این مسجد نماز نمی‌خوانم فکر کردم با امام جماعت این مسجد خورده حسابی دارد گفتم چرا؟ گفت امام جماعت این مسجد ذکر سجده را سه بار می‌گوید طول می‌دهد. من گفتم برادر عزیز درسته امام جماعت باید خلاصه بکند اما تو آنقدر از سجده طولانی بیزار هستی؟ امام سجاده (ع) به کوهستان می‌رفت، پیشانی اش را به سنگ های تیزی می‌گذاشت، ۵۰۰ بار ذکر را تکرار می‌کرد، سجاده اش از اشک چشمانش خیس می‌شد، جمعی از علویون آمدند احساس خطر کردند برای جان امام سجاده (ع) گفتند آقا با این همه عبادت به زودی شما از دنیا می‌روید، فرمودند: عبادت من کجا عبادت جدم علی کجا، اینها رهبران ما هستند. نماز نافله نمی‌خوانیم سخت‌مان است، نماز صبح را اول وقت نمی‌خوانیم سخت‌مان است، نماز را به جماعت نمی‌خوانیم سخت است. پس زندگی برای چیست؟ "وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون"، بندگی خدا، امام سجاده (ع) گریه می‌کرد و از خدا می‌خواست شیرینی عبادت را به او بچشبانند. ابن عباس مفسر قرآن است، انسان فرهیخته ای است، فرمودند: در جنگ صفین دیدیم علی ابن ابیطالب (ع) شمشیر می‌زند و به آسمان نگاه می‌کند. پرسیدم: یا ابوالحسن برای چه به آسمان نگاه می‌کنید، ایشان فرمودند مراقب هستم وقت نماز ظهر رسیده یا نرسیده، من گفتم الان جنگ است نماز اول وقت برای شرایط عادی است. فرمودند: ابن عباس جنگ ما هم برای نماز است. اینها رهبران ما هستند. خدا رحمت کند صیاد شیرازی را، ایشان این خاطره را تعریف کردند که در زمان جنگ، رؤسای سه قوه و فرماندهان جنگ در جماران خدمت حضرت امام (ره) رسیدیم، یکی از فرماندهان داشت گزارش جنگ را می‌داد. وسط گزارش او، امام (ره) جلسه را ترک کرد، شهید صیاد شیرازی می‌گوید: کنار من آقای رفسنجانی بود، از ایشان پرسیدم چی شد؟ ایشان هم متوجه نشدند، گفتم فکر کنم قلب امام (ره) گرفته، آمدیم این اتاق دیدیم امام (ره) دارد عطر می‌زند و برای نماز آماده می‌شود. این

چیست که ما به بلوغ نرسیدیم ولی ائمه ما به این بلوغ رسیدند. همه ما شنیده ایم که وقتی شاه فرار کرد، حضرت امام(ره) در فرانسه بود. خبرنگاران آمدند دور امام(ره) دیدیم حساس ترین گزارشی بود که از رهبر انقلاب به دنیا مخابره کنند، حضرت امام(ره) سوال چند خبرنگار را جواب دادند و بعد فرمودند: احمد وقت نماز شده، و حاج احمد آقا گفتند بله الان وقت نماز است امام(ره) از آن صندلی پایین آمدند و سراغ نمازشان رفتند. کدام سیاستمداری این کار را می کند. این است راه و رسم ائمه، همه امامان ما بندگیشان در پیشانی کارشان بوده. حضرت امام رضا (ع) شنیدند که جمعی از بستگانشان به دیدنشان می آیند، آمدند به دروازه شهر پیشواز آنها، وقت نماز رسید فرمودند نماز می خوانیم، گفتند آقا صبر کنید بستگانتان چه؟ فرمودند ما الان موظف هستیم به وظیفه عمل کنیم. یکی از رهبران گروه های منحرف سابعی ها، به نام امران سابعی با حضرت امام رضا (ع) مباحثه می کرد، بحث به جای زیبایی رسیده بود، وقت نماز شد، حضرت امام رضا (ع) فرمودند من باید برم نماز بخوانم، عمران سابعی گفت آقا الان دل من برای پذیرفتن مکتب شما نرم شده است، حضرت امام رضا(ع) می دانست که وقت نماز وسیع است اما فرمود: نه نماز اول وقت، رفتند نماز اول وقت خواندند و برگشتند، مباحثه را ادامه دادند، عمران هم شیعه شد و به سجده افتاد و خدا را شکر کرد که الحمدلله به دست چنین شخصیتی هدایت شدم. وقتی زیارت حضرت امام زمان (عج) را می خوانیم، آن زیارتی که مقام معظم رهبری به دوستانشان خیلی سفارش می کنند بخوانید زیارت آل یاسین، چگونه سلام می دهیم، یک زیارت متفاوتی است. می گوئیم سلام بر قنوت، سلام بر رکوع، سلام بر تشهد، این معلوم است که نماز اوج خداگرایی و خداپرستی یک انسان است.

خدا رحمت کند حضرت امام خمینی (ره) را که فرمودند: نماز معجونی است الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می‌کند، نماز کارخانه انسان سازی است. در این برنامه ها یکبار این بسته را می‌خواهیم توضیح دهیم. بسته ای که با وضو شروع می‌شود با تعقیبات خاتمه پیدا می‌کند. اولین پله نماز طهارت است در فقه ما به وضو، و غسل و تیمم، طهارت گفته می‌شود. ما می‌خواهیم به دیدار پروردگارمان برویم، باید پاکیزه باشیم، هم بدنمان، هم لباسمان، هم مکانمان، هم فکرمان، هم روحمان، هم دلمان طاهر باشد. خیلی قیمت دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کلید بهشت نماز است و کلید نماز وضو است. گاهی درباره وضو کم کاری می‌کنیم در آموزش های نماز در ایستگاه وضو خیلی باید بایستیم، ایستگاه وضو ایستگاه مهمی است. باید فکر کنیم، فلسفه وضو چیست؟ چه وضویی از ما خواسته‌اند؟ چه آدابی در وضو به کار رفته است؟ در مدارس ما نباید با عجله اکتفا کنیم به شستن دست و صورت و تمام کنیم قصه را. باید یک موقعی توضیح دهیم، فکرها را درگیر کنیم. از حضرت امام حسن (ع) پرسیدند که چرا ما در نماز نمی‌توانیم حضور قلب داشته باشیم، فرمودند: برگردید به ایستگاه وضو، یک مقداری با آرامش از آن ایستگاه بیایید به سمت نماز، نه اینکه آب اصراف کنید و زیاده روی در مصرف آب نکنیم، توجه کنید که می‌خواهیم چکار کنیم؟ به دیدن چه کسی می‌خواهیم برویم؟ با چه کسی می‌خواهیم ملاقات کنیم. در حدیث می‌خوانیم حضرت امام باقر (ع) فرمودند: "لا صلاة الا بطهور"، نماز بدون طهارت نداریم، نماز بدون وضو، غسل، تیمم نداریم، حضرت امام رضا (ع) درباره فلسفه وضو فرمودند: "لَا يَكُونُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِلَّا طَاهِرًا". علت اینکه نمازگزار باید وضو داشته باشد این است که بنده باید پاکیزه باشد. "اذا قام بين يدي الجبار وعند مناجاته"، وقتی می‌خواهد در پیشگاه خدا مناجات کند باید طاهر و پاکیزه باشد. "نفيا من الادناس و النجاسة" از آلودگی ها، پلیدی ها، نجاسات باید پاک باشد. "مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد النعاس" یک علت دیگر وضو این است که آب بخصوص اگر خنک باشد دل‌مردگی، افسردگی، کسالت و خواب آلودگی را از بین می‌برد و به جایش شادابی و نشاط می‌آورد. حضرت امام رضا (ع) فرمودند: "وَتَزَكِيَةُ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ" دل را هم تزکیه می‌کند. این وضو گرفتن حکمتی دارد که پاکیزه و آماده می‌کند انسان را

هم ظاهرش را و هم باطنش را برای دیدار با پروردگار. سفارشات زیادی رسیده که سعی کنید در همه حال وضو داشته باشید برای غیر نماز هم حتی می‌خواهید بخوابید و غذا بخورید وضو بگیرید.

در حدیث داریم که روزی پیامبر اکرم (ص) عزیز ما در خیابان، شیطان را دید که خیلی عصبانی است، از او پرسید چی شده؟ گفت عصبانی هستم، پیامبر اکرم (ص) پرسید: از چه کسی؟ گفت از ۱۶ گروه، اولش خود شما هستید. بعد ۱۵ نفر دیگر را اسم برد یکی کسی که دوست دارد همیشه با وضو باشد. معلوم شد شیطان طرفدار آلودگی، گناه و پلیدی است. کسی که وضو می‌گیرد یک احساسی پیدا می‌کند و میل ندارد به سمت آلودگی گرایش پیدا کند. با وضو بخوابیم چون در خواب هم پیامک برای ما می‌رسد. یا از طرف شیطان‌ها یا از طرف فرشته‌ها. مثل کسی که از خواب بیدار می‌شود و موبایلش را نگاه می‌کند که ۷-۸ تا پیامک برای او رسیده. اگر ما می‌خواهیم خواب خوب و آرامی داشته باشیم و هم شیطان‌ها با ما تماس نگیرند، روایت دارد، با وضو قرآن بخوانید، با وضو بخوابید، "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ"، خداوند با وضوها و پاکیزه‌ها را دوست دارد. "و يُحِبُّ التَّوَّابِينَ"، یک نکته ای که باید درباره وضو بیان کنیم اسراف در آب وضو است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "الوضوء مد" آب وضو به اندازه ۱۰ سیر باید باشد و اگر به لیتر بگوییم دو سوم یک لیتر باید باشد. والغسل ساء، آب غسل هم در حد ۳ لیتر باید باشد. وسیتی اقوام، در آینده مسلمانانی خواهند آمد "یستغلون ذلک"، میگویند این اندازه آب برای وضو یا غسل کم است. واولئک علی خلاف سستی، آنها مخالف سنت من هستند. وضوی شاداب داشته باشیم ولی اسراف در آب نکنیم.

قصه ای را می‌خواهم بیان کنم که خیلی آموزنده است مخصوصاً برای معلم‌ها و پدر و مادرها. امیرالمومنین (ع) پسری داشت به نام محمد حنفیه، چون مادرش حنفیه نام دارد او را به نام مادرش صدا می‌زنند. ۱۲، ۱۳ سالش بود. روزی دست این پسر را گرفت و آورد کنار آب. فرمود: عزیزم پسرمن اینطوری وضو بگیر در این وضو احکام وضو نیست اما آداب وضو هست.

خواهشی داریم از همه عزیزان از الان تا شبانه روز دیگر یک وضوی این گونه بگیرید و امتحان کنید. چطور؟ همین که نگاهت به آب افتاد از نعمت آب تشکر کن. عجب نعمتی است آب، اگر نباشد، اگر کم شود، زندگی انسان‌ها مختل می‌شود، بهداشت و سلامت چه می‌شود؟ حیات انسانی چه می‌شود.

۲- پسر م قبل از اينكه وضو بگيرى دست هايت را تا مچ بشور و اين را بگو خدايا مرا از پاكيژه ها و توبه كنندگان قرار بده، "اللهم جعلنى من التوابين وجعلنى من المطهرين"، پسر م، عزيزم صورتت را كه مى شورى براى وضو اين را بگو: خدايا مرا از روسفيدان در قيامت قرار بده از روسياهان قرار مده. اين چقدر سازندگى دارد در هر وضو ياد قيامت كنيم. در قيامت انسان ها دو دسته اند. "وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ"، بعضى ها صورت هايشان سفيد و درخشان است. "ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ"، خندان و شاداب است "وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ" يك صورت هاى همه سياه و ناراحت است. در حال وضو گرفتن اگر كسى كه وضو مى گيرد از قيامت ياد كند در رفتارش تاثير مى گذارد. پسر م وقتى دست راستت را مسح مى كشى بگو: خدايا كارنامه عملم را در قيامت به دست راستم بده. دست چپ را كه مى شويى بگو، خدايا كارنامه عملم را به دست چپم نده. قرآن مى فرمايد: روز قيامت آن هاى كه عمل كرد قابل قبولى دارند فرشته ها از جلو مى آيند و كارنامه هايشان را دست راستشان مى دهند. آن هاى كه عمل كرد ضعيفى دارند مردود هستند، فرشته ها به دنبال توهين آموز مى آيند و كارنامه هايشان را در دست چپشان مى دهند، قرآن مى فرمايد: "فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ"، كسى كه كارنامه اش دست راستش است. فَيَقُولُ، مى گويد: "هاؤوم اقرؤا كتابيه"، اى اهل محشر بياييد كارنامه من را بخوانيد. "فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ"، در رضايت مندى و شادمانى به سر مى برد بر بلنداي بهشت مستقر مى شود، ميوه ها آماده و آويزان گفته مى شود، "كلوا و اشربوا هنيئاً بما اسلفتم فى الايام الخالية"، بفرماييد ميل كنيد اين مزد كارى است كه در دنيا وقت داشتيد و انجام داديد، "وأما من أوتى كتابه بشماله"، اما كسى كه كارنامه اش دست چپش است، مى گويد: فيقول: "يا ليتنى لم أوت كتابيه"، كاش اين مايه بدبختى را نمى دادند دست من. "يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ"، خضوه"، دستگيرش كنيد فقولوه، دستبند به دستش بزنيد ثم جهنم سلوه، بندازيدش در جهنم. در هر وضو اگر اين صحنه را بياوريم مقابل چشمانمان موثر است.

پسر م، محمد جان وقتى سرت را مسح مى كشى اين را بگو خدايا سرتاپا مرا غرق در رحمتت كن. و وقتى پاها را مسح مى كشى بگو، خدايا قدم هايم را در پل صراط نلرزان روى جهنم پل بارىكى است هر كس از آن پل بتواند رد شود به بهشت وارد مى شود. جاى سختى است در هر وضو اگر انسان اين احساس به او دست بدهد موثر خواهد بود. وضو كليد نماز است، نماز كليد بهشت است. بعضى از وقت ها ما نمى توانيم وضو

بگیریم یا اگر بر کسانی غسل جنابت یا غسل های واجب دیگری است نمی توانند از آب استفاده کنند. مثل اینکه آب نیست، وقت نیست یا آب ضرر دارد. آنوقت تیمم میکنند. ما در مجموع هم به وضو هم به غسل و هم به تیمم می گوئیم طهارت. طهارت آغاز این عبادت است.

درس دهم

بحث ما درباره وقت است. حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: نماز کارخانه انسان سازی است اگر به همه اجزاء نماز با دقت نگاه کنیم معنای این جمله را خواهیم فهمید. علامه طباطبائی می فرماید: خداوند در قرآن به چیزهایی قسم خورده، نظرش این بوده به ما بفرماید اینها مهم هستند. بیشترین قسم های خدا در قرآن به وقت است. معلوم می شود که گران ترین گوهر در این عالم وقت است. خداوند در قرآن به اجزای وقت به صبح، به چاشت، به ظهر، به عصر، به روز، به سحر قسم خورده است. "وَاللَّيْلِ وَالضُّحَى"، همین گوهری که ما خروار، خروار به رایگان از دست می دهیم. حدیث داریم هر روز صبح فرشته ای پیش ما می آید و می گوید: مواظب باش امروز هم یک روز تازه است مفت از دست ندهی، استفاده کن. نماز یک جوری طراحی شده است که با وقت آمیخته است. قرآن می فرماید: "إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا". نماز واجب است که داری وقت است چرا؟ به خاطر اینکه نماز گزار قدر آن وقت را بداند. حدیث داریم: "الدنيا ساعة فاجعلها طاعة"، دنیا ساعتی بیش نیست آن را در مسیر طاعت خدا به کار ببرد. نمازها هر کدام وقتی دارند، نماز قبل از وقت باطل است، اول وقت بهترین است، با تأخیر ثوابش کم می شود، قبل از وقت گناه دارد. مگر ما در نماز چه می گوئیم، یا شکر خدا را می گوئیم یا خدا را ستایش می کنیم، یا از خدا چیزی می خواهیم، این معلوم می شود پدیده وقت خیلی اهمیت دارد.

دست کم وقت برای نماز گزار دو پیام دارد، پیام اولش برنامه ریزی است. مسلمان ها بی نظم نباشید، بی انضباط نباشید، برای همه نیازهایتان برنامه ریزی کنید. حضرت موسی ابن جعفر (ع) فرمودند: سعی کنید وقت خودتان را به چهار قسمت تقسیم کنید، یک قسمت را بگذارید برای خدا، یک قسمت را برای کار، یک قسمت برای دید و بازدید رفت و آمد با افراد مطمئن، یک قسمت هم برای تفریحات حلال و سالم. اما برنامه داشته باشید چه ساعتی نماز، چه ساعتی کار، چه ساعتی تفریح، چه ساعتی خواب، وقت نماز پیام مهمش برنامه ریزی است. یهودی ها و مسیحی ها در طی این هزار و چند صد سال، فهمیدند مسلمان ها برنامه دارند، اصلاً علم نجوم چرا در بین مسلمان ها پیشرفت پرشتابی داشت به خاطر دو مسئله فقهی، یکی وقت نماز، یکی قبله نماز. مسلمان ها رفتند دنبال اینکه شبانه روز را به چند ساعت و دقیقه تقسیم کنند، آنقدر که وقت برایشان مهم بود. موضوع دوم در وقت نماز مسئله توجه به آیات الهی است. وقت ترکیب شده است با آیات

الهی، با خورشید، با ماه، با روز، شب، طلوع و غروب. متأسفانه از وقتی که رادیو و تلویزیون میدان دار شده اند نمازگزاران هیچ توجهی به زیبایی های آیات الهی ندارند. اسلام خواسته هر روز چند بار مردم به طبیعت، آسمان، خورشید و به طلوع و غروب نگاه کنند. وقتِ نماز صبح آغازش فجرِ صادق است. فجر یعنی سپیده، صادق یعنی راست. معنایش این است که یک سپیده دروغ هم است حدود بیست دقیقه قبل از اذان صبح یک روشنایی عمودی در سمتِ مشرق پدیدار می شود آنهم خیلی زیبا است ولی هنوز وقتِ نماز صبح نرسیده است. شب زنده داران در آن وقت، نماز شب می خوانند بعدش یک سپیدی افقی، پهنه افق را پر می کند. ما اصلاً تماشا نمی کنیم. خود ما، بچه های ما، دوستان ما همه در خواب هستیم، اسلام گفته از خواب برخیزید این شگفتی های هستی را که این ستاره ها و سیاره ها با چه نظمی حرکت می کنند تا این زیبایی ها را می آفرینند. سازنده کیست؟ طراح کیست؟ نقاش کیست؟ ما در این میدان چکاره هستیم؟ این را رادیو اعلام می کند، ما هم ساعتان را برای نماز پنج دقیقه به طلوع آفتاب کوک می کنیم. اسلام خواسته برخیزیم، نگاه کنیم به عظمت خورشید، نگاه کنیم به زیبایی طلوع آفتاب.

وقتِ نماز ظهر تمام شدن سایه خورشید است، در مناطقی مثل منطقه ای که ما هستیم کشور ایران سایه شاخص تمام نمی شود به کمترین حدش می رسد. همین را باید بچه های ما تماشا کنند. این سایه که شاخصی از طرف خورشید، نوری به آن می تابد و این طرفش سایه دارد اوایل صبح سایه طولانی است، کم می شود، کم می شود به کمترین حدش که می رسد سایه می افتد آنطرف شاخص. این وقت نماز ظهر است. نگاه کنید چه نظم و دقتی در حرکت زمین و خورشید برقرار است.

اکنون دانشمندان و اساتید دانشگاه ها پیش بینی می کنند که تحویل سال جدید مثلاً در چه روز و در چه دقیقه و در چه ثانیه ای خواهد بود. این نظم حاکم بر هستی است. نمازگزار باید توجه بکند به اینها، (غروب آفتاب، مغرب، نصف شب).

امامان ما نسبت به وقت نماز خیلی حساس بودند. می آمدند تماشا می کردند، مردم ما فقط در روزِ رمضان که می شود نسبت به هلال ماه حساس هستند. اما ائمه ما هر ۱۲ ماه سال را به هلال ماه حساس بودند. چه دعاهایی را به ما یاد می دادند. وقتی هلال اول ماه را می بینید چه دعایی بخوانید، چه احساسی پیدا بکنید، یکی از نماز هایی که واجب است، نمازِ آیات است، نمازِ آیات یعنی آیاتِ الهی، ماه و خورشید، باد و رگبار و

طوفان، اینها آیات خدا هستند که به غلط در زمان جاهلیت فکر می کردند اینها خدایان هستند. وقتی حوادثی مثل کسوف و خسوف پیش بیاید وضو بگیرید به نماز بایستید در پیشگاه آفریدگار ماه و خورشید، نه در پیشگاه خود خورشید.

یکی دیگر از مقدمات نماز مکان است. جایی که ما می ایستیم نماز بخوانیم، آن هم شرایطی دارد و آن هم در تربیت ما نقش دارد. جایی که ما می ایستیم مهمترین شرطش این است که مباح باشد یعنی غصبی نباشد، حقوق مردم و نارضایتی مردم در آن نباشد. همان شرطی که در لباس نمازگزار هم است، جایی که ما می ایستیم نماز بخوانیم، چون ما در نماز احتیاج به تمرکز داریم نباید شیبدار باشد به سمت بالا و پایین، پستی و بلندی داشته باشد، سقف کوتاه باشد، اینها نباشد. سقفش باید به اندازه ای باشد که نمازگذار بتواند بایستد و آرام باشد. سربالایی و سرپایینی و لغزنده، مثلاً روی تشکی که که ابرش زیاد است و نمازگذار نمی تواند روی آن قرار بگیرد، یا در قطار، هواپیما، ماشین. مگر در اوقات استثنایی و در شرایط عادی نمی تواند نماز بخواند چون یکی از ارکان نماز، نیت و تمرکز است و اینها تمرکز را از بین می برد.

لباس نماز نباید غصبی باشد. حتی اگر نخ دکمه نمازگزار غصبی باشد نماز او باطل است. کسی که به حقوق مردم توجه ندارد، کسی که غش در معامله می کند، کسی که دروغ می گوید در معامله. کسی که می داند معامله اش از نظر شرعی غلط است در آن پول تصرف می کند نماز هم می خواند چطور آن نماز برای او قابل قبول است. لباس نمازگزار از نظر تمیزی باید پاک و تمیز باشد. حتی الامکان رنگ روشن باشد. دکمه هایش بسته و مرتب باشد.

امامان ما می فرمودند: سعی کنید یک لباسی مخصوص نماز داشته باشید و وصیت کنید جزء گفتن قرار داده شود. در آن دنیا لباس نمازگزار به کارتتان می آید. الان ما بانوان و دختران در کشورمان چادر نماز دارند خیلی خوب است اما پسران و مردان ندارند، خوشا به حال کسی که یک ابداع و اختراعی را فرهنگ سازی بکنند، یک پیراهن و لباسی را طراحی بکنند، مخصوصاً مدل سازان لباس می توانند این کار را بکنند و تا دنیا هست هرکس از آن لباس به عنوان لباس نماز استفاده می کند آنها در ثوابش شریک باشند، رسم کنیم اینها را، اینها از رهنمودهای امامان ما است. لباس خاص و پیراهن خاص نماز با رنگ روشن و دوخت جذاب و دل پسند،

اینها سازندگی های نماز است، لباس، مکان، وقت. از خداوند می‌خواهیم در این کارخانه ای که ما را برای تربیت و انسان سازی فرستاده بتوانیم بهره لازم را ببریم.

چند مسئله از توضیح المسائل :

مسئله ۱۱- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

مسئله ۱۰۰- اگر انسانی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید مثلاً به جای (ض) (ظ) بگوید یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود زیر و زبر بدهد یا تشدید را نگوید نماز او باطل است.

مسئله ۱۰۱- اگر انسانی کلمه ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند بعد بفهمد غلط خوانده لازم نیست دوباره نماز را بخواند و یا اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۱۰۲- اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند باید یاد بگیرد ولی اگر کلمه ای را که وقف کردن آخر آن جائز است همیشه وقف کند یاد گرفتن زیر و زبر آن لازم نیست و نیز اگر نداند مثلاً کلمه ای به (س) است یا به (ص) باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند مثل آنکه اهدنا الصراط المستقیم را یک مرتبه با سین و یک مرتبه با صاد بخواند نمازش باطل است مگر آنکه هر دو جور قرائت شده باشد و به امید رسیدن به واقع بخواند.

نمونه سوالات

۱- به فرموده پیامبر اکرم (ص) اولین واجبی که از آسمان برای امت من فرود آمد چه بود و این موضوع چندبار در قرآن آمده است ؟

- الف - حج ۱۰۰ مرتبه
ب - نماز ۱۰۰۰ مرتبه
ج - جهاد ۹۰ مرتبه
د - روزه ۵۰۰ مرتبه

۲- مثل نماز در دین اسلام به چه تعبیراتی آمده است ؟

- الف - مثل اکسیژن در رگهای دین
ب - نماز ستون دین است
ج - نماز کلید بهشت است
د - همه موارد

۳- ریشه تمام عبادات چیست ؟

- الف - احساس فقر و وابستگی به پروردگار
ب - تعظیم به خدا
ج - احساس نیاز به مونس
د - همه موارد

۴- به نظر علامه طباطبایی و با توجه به آیه ۲۱ سوره بقره مفهوم نماز به چه معناست ؟

- الف - تشکر از خدا
ب - حرف زدن بندگان با خدا
ج - حرف زدن خدا با بندگان
د - همه موارد

۵- عبادت به چه معناست ؟

- الف - هر کاری که رنگ خدایی داشته باشد
ب - هر چیزی که در مسیر الهی باشد
ج - درس خواندن ، کارکردن ، فکرکردن که در راه خدا باشد
د - همه موارد

۶- ویژگیهای یک عبادت چیست ؟

- الف - آگاهانه و عارفانه
ب - خالصانه و عاشقانه
ج - طولانی باشد
د - الف و ب

۷- باتوجه به آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف کدام یک از شرایط نماز در آن آمده است ؟

- الف - عاشقانه
ب - خالصانه
ج - آگاهانه
د - هیچکدام

۸- مراحل چهارگانه عبادت کدام گزینه است؟

- الف - قبولی ، کمال ، وضو ، غسل
ب - تکلیف ، صحت ، قبولی ، کمال
ج - وضو ، غسل ، واجب ، مستحب
د - همه موارد

۹- کدام یک از این شرایط جزء قبولی عبادات است؟

- الف - شرط اخلاقی
ب - شرط اقتصادی
ج - شرط اعتقادی
د - همه موارد

۱۰- شرط اقتصادی قبولی عبادات به چه معناست ؟

- الف - توجه به اقتصاد خانواده
ب - مقتصد و میانه رو بودن
ج - پرداخت خمس و زکات
د - همه موارد

۱۱- شرط خانوادگی قبولی عبادات به چه معناست ؟

- الف - راضی بودن زن از شوهر
ب - راضی بودن والدین از فرزند
ج - رضایت شوهر از زن
د - همه موارد

۱۲- مرحله کمال نماز چیست ؟

- الف - اول وقت خواندن
ب - استعمال بوی خوش و لباس پاکیزه
ج - به جماعت خواندن
د - همه موارد

۱۳- به فرموده حضرت امیرالمومنین (ع): افضل الاعمال ما کرهت نفسک علیه) برترین اعمال چه نوع عملی است ؟

- الف - طولانی تر باشد
ب - با جمع باشد
ج - سابقه داشته باشد
د - سخت تر باشد

۱۴- حضرت امیرالمومنین (ع) در مورد استقامت در عبادات چه فرمودند: (قلیل مدوم علیه خیر من کثیر مملول منه)؟

- الف - کم ادامه دار بهتر از زیاد مقطعی
ب - زیاد عبادت کنید
ج - عبادت طولانی از عبادت کم بهتر است
د - همه موارد

۱۵- طبق بیان حضرت امام رضا (ع) وضو چه حکمتی دارد؟

- الف - برای نشاط و شادابی
ب - برای روشنایی دل
ج - برای پاکیزگی
د - همه موارد

۱۶- فلسفه وضو طبق بیان حضرت امام رضا (ع) چیست ؟

- الف - فلسفه معنوی
ب - فلسفه بهداشتی
ج - فلسفه بهداشت روانی
د - همه موارد

۱۷- فلسفه اصلی عبادات واجب و مستحب چیست ؟

- الف - تعبدی
ب - آزمایش و امتحان
ج - ساخته شدن و اصلاح
د - همه موارد

۱۸- طبق این آیه (وماجعلنا عد تهم الا فتنه) عدد ماموران جهنم نوزده تا می باشد به چه علت است ؟

- الف - امر الهی
ب - تعبدی
ج - امتحان
د - همه موارد

۱۹- طبق روایت امام رضا (ع) که فرمودند : در آخر الزمان انسانها به اوج عقل و اندیشه می رسند و خودشان اسرار

بعضی از احکام را فهم می کنند / فلسفه کدام عبادات را بیان می کند ؟

- الف - تعبدی
ب - مطیع بودن بنده
ج - رشد عقول بندگان
د - هیچکدام

۲۰- در اسلام حدود ۳۵۰ نوع نماز طراحی شده است این چه دلیلی دارد ؟

- الف - رابطه معنادار با خدا
ب - نماز یکی از ایستگاههای قیامت است
ج - از بهترین عبادت و عهد با خداست
د - همه موارد

۲۱- به چه علت نماز ستون دین معرفی شده است ؟

- الف - چون کسی که نماز می خواند اهل بقیه
ب - چون نماز در اسلام مثل سر در بدن عبادات هم هست
ج - چون کسی که نماز نخواند بعید است
د - همه موارد
بقیه واجبات را انجام دهد .

۲۲- آخرین وصیت تمام انبیاء چه بوده است ؟

- الف - جهاد
ب - حج
ج - اقامه نماز
د - هیچکدام

۲۳- آیا نماز در دیگر ادیان بوده است ؟

- الف - نبوده است
ب - در بعضی ادیان بوده است
ج - در تمام ادیان بوده است
د - هیچکدام

۲۴- نگرانی پیامبر اکرم (ص) در آخرین لحظه عمرش از چه بود ؟

- الف - تخلف از سپاه اسامه
ب - سبک شمردن نماز
ج - نپذیرفتن ولایت
د - همه موارد

۲۵- طبق فرمایش حضرت علی (ع) منظور از امانت در این آیه چیست ؟ «انا عرضنا الامانه علی السموات الارض و الجبال»

- الف - عبادات
ب - نماز
ج - واجبات
د - همه موارد

۲۶- در زیارت آل یاسین که می‌گوییم سلام بر رکعت ، سلام بر قنوت ، سلام بر سجودت ، به چه دلیل است ؟

- الف - به خاطر عبادت حضرت
ب - اهمیت نماز
ج - جایگاه امامت
د - همه موارد

۲۷- بهترین تعقیبات بعد از هر نماز چیست ؟

- الف - نافله
ب - مصافحه و دست دادن
ج - تعقیبات حضرت زهرا (س)
د - همه موارد

۲۸- جواب دوزخیان به بهشتیان در مورد علت ورود به دوزخ چیست ؟

- الف - اهل عبادت نبودیم
ب - از گروه نمازگزاران نبودیم
ج - شیطان ما را وسوسه کرد
د - هیچکدام

۲۹- اگر نمازگزار عمداً به جای «ض»، «ظ» بگوید یا جایی که باید بدون زیر و زبر بخواند زیر و زبر دهد یا تشدید را

نگوید نمازش چه حکمی دارد ؟

- الف - باید یاد بگیرد
ب - باطل است
ج - صحیح است
د - هیچکدام

منابع:

- ۱- رساله توضیح المسائل مراجع تقلید.
- ۲- اسرار، آداب، آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی حجت الاسلام سیدجواد بهشتی.